

ص ۳
عملیات سیاسی - تبلیغی
واحد "نسیم" گارد آزادی در سندج

"تاریخ" کردستان به روایت یک اصلاح طلب کرد

مظفر محمدی ص ۴

جنبش ناسیونالیستی کرد "ناتو و تکرار سناریوی لیبی" در ایران!؟

مصاحبه با عبدالله دارابی ص ۸

شرافت و وجدان
طبقاتی است

مظفر محمدی ص ۹

گزیده ای از اخبار و رویدادهای
کارگری و عمومی در کردستان

شماره ۱۶
ص ۱۱

پیام فرماندهی گارد آزادی در
کردستان به واحد "نسیم" گارد
آزادی و مردم کردستان

سلام زیجی ص ۱۴

به مناسبت انقلاب اکتبر

ابوبکر شریف زاده ص ۱۳

گرامی باد یاد کمونیست برجسته و محبوب
جعفر شعبی
سلام زیجی ص ۱۴

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان کردستان

دخالت نظامی ناتو و غرب علیه

منافع مردم است ص ۶

تلاش ارتجاعی جریانات ناسیونالیست که بخواهند مردم کردستان را به نیروی نخبیره طرحهای جنگی ناتو و کشورهای غربی تبدیل کنند، باید افشا و خنثی کرد. به همین خاطر، ضروریست صف کمونیستها و آزادیخواهان کردستان، بمنظور بر ملا کردن و فاش نمودن این سیاست، آگاهانه تر و متحدانه تر از همیشه به میدان بیاید. باید کاری کرد، جامعه کردستان بار دیگر به کانون گرم تحرک انقلابی علیه جمهوری اسلامی و علیه پیاده کردن طرحهای ارتجاعی آمریکا و کشورهای غربی و احزاب ناسیونالیست تبدیل شود. ما، در راستای این هدف این بیانیه را امضا میکنیم و همه آزادیخواهان در سراسر جهان را فرامیخوانیم علیه این سیاست ارتجاعی با هم صف متحدی را شکل دهیم...

تقابل با سناریوی جنگ
امر کارگران و
کمونیست ها است

رحمت فاتحی

بعد از پیروزی ناتو در لیبی بار دیگر کشمکشهای بین کشورهای عضو ناتو و آمریکا با ایران بالا گرفته است. بعد از این پیروزی سارکوزی، کامرون و سران آمریکا هر کدام جداگانه ایران را تهدید کردند. در چند هفته اخیر هم و هم زمان با جلسه سران کشورهای گروه جی بار دیگر اوباما از این کشورها خواست که فشارهای اقتصادی و سیاسی خیلی شدیدتری را علیه ایران بکار گیرند تا ایران را به انجام وظایف بین المللی خود متعهد کنند. اژانس بین المللی انرژی اتمی هم قرار است که هفته آینده گزارش خود را در رابطه با برنامه های اتمی ایران منتشر کند و از حالا هم معلوم است که گزارش آن باید در تایید و در راستای سیاستهای آمریکا و غرب باشد. روزنامه اسرائیلی هآرتص هم نوشته که نخست وزیر اسرائیل و وزیر جنگ آن کشور در حال تلاشند که اعضای کابینه دولت را در رابطه با حمله به تاسیسات اتمی ایران قانع کنند و در راستای همین سیاست است که اخیرا اسرائیل یک موشک بالستیک را که میتواند کلاهک اتمی حمل کند آزمایش کرد و این مسئله می تواند با برنامه ی نظامی این کشور در حمله به ایران ارتباط مستقیم داشته باشد. از طرف دیگر روزنامه انگلیسی گاردین هم نوشته است که نیروهای نظامی انگلستان خود را برای اقدام نظامی علیه ایران آماده می کنند. کشورهای غربی در تمام این مدت اعلام کرده اند که فشار آنها سیاسی و اقتصادی است ولی گزینه نظامی همچنان روی میزشان است. جمهوری اسلامی ایران نیز همچون گذشته از این فضای جنگی استقبال کرده، چون همیشه ابزار مناسبی بوده که از طرفی بحرانهای خود را با آن توجیه کند و از طرف دیگر هر اعتراض حق طلبانه ای را با استفاده از این فضا سرکوب نماید. جمهوری اسلامی با عکس العمل نشان دادن به تهدیدات آمریکا و غرب و اینکه ما با تمام توان خود هر نوع حمله ای به ایران را جواب خواهیم داد قدر قدرتی خود را به رخ کارگران و مردم محروم بکشد و از آنها زهر چشم بگیرد. تحولات و انقلابات در کشورهای عربی و شمال افریقا را هم اگر به اوضاع سیاسی موجود اضافه کنید جدی بودن این مسئله را صد چندان می کند. در همین راستا احزاب سیاسی جامعه ایران هم ناچار به اتخاذ موضع و عکس العمل شده اند. اما باید سوال کرد آیا سیاستهای اتخاذ شده از طرف این احزاب در راستای امنیت، رفاه و آسایش جامعه است یا نه؟ ص ۲ ←

زنده باد سوسیالیسم

این پرسشی است که هر کارگر و انسان آزادیخواهی که در رابطه با جامعه ایران احساس مسئولیت میکند باید به آن پاسخ دهد. هیچ انسان حق طلب و آزادیخواهی در ایران نیست که نخواهد جمهوری اسلامی این ننگ بشریت در قرن 21 سایه نگیش از سر مردم کم شود. این رژیم خود از بدو روی کار آمدنش بانی فقر، ناامنی و عدم امنیت در جامعه برای کارگران و مردم زحمتکش بوده و آرزوی شبانه روزی طبقه کارگر است سر به تنش نباشد و در آرزوی سرنگونی آن هستند و در سه دهه اخیر برای سرنگونی این رژیم مبارزه کرده اند و در این راه صد ها هزار انسان مبارز قربانی، زندانی و شکنجه دیده اند. مبارزه کارگر و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب برای ساقط کردن این رژیم و جایگزینی آن با نظام دیگری که بتواند امنیت و رفاه را به جامعه بدهد همچنان در جریان است. همین خواست و آرزوی انسانی زمینه ای فراهم آورده است که نه تنها احزاب راست و ناسیونالیست در اپوزسیون بلکه رهبران جنبش سبز که خود از معماران اصلی جمهوری اسلامی بوده اند از ناراضیاتی عمومی و این اوضاع استفاده کرده و تلاش کنند مردم را با عوامفریبی و دروغ پشت سیاستهای ارتجاعی و ضد کارگری خود به خط کنند. آیا جامعه ایران تسلیم کشمکشها و نزاع جناحهای سرمایه داری داخلی و خارجی میشود یا نه؟ این بستگی به توازن قوای طبقه کارگر و گرایش سوسیالیستی درون این طبقه و ما کمونیستها دارد.

ناسیونالیستها و احزاب راست همیشه برای شریک شدن در قدرت و سهم شدن در ثروت و سامان جامعه امیدشان به شکاف و اختلافات منطقه ای سرمایه داران و دولت‌هایشان و به عبارت دقیق تر ابزار دست دولت‌های منطقه و یا ابر قدرتها در کشمکشهای داخلی سرمایه داران بوده اند و این بخشی از تاریخ انکار ناپذیر این احزاب است. این احزاب هیچگاه آن را پنهان نکرده اند. این مردم هستند که همیشه در غیاب حضور قدرتمند طبقه کارگر با پرچم و پلاتفرم خود برای جامعه انسانی که رفاه و امنیت تک تک آحاد جامعه جزو القای به قدرت رسیدنش می باشد قربانی توهمات خود شده اند. احزاب ناسیونالیست کرد و عظمت طلب فارس بعد از جنگ خلیج و حمله آمریکا هر شب با این آرزو سر به بالین می گذارند که سناریوی عراق،

افغانستان و اخیرا لیبی در ایران تکرار شود و آنها هم از این طریق به نان و نوایی برسند. احزاب مستاصل و کم مایه ای که حاضرند پشت هر جنایت، نسل کشی و ویرانی علیه مردم یک جامعه به خط شوند به شرطی که صاحب گوشه ای از قدرت شوند. بعد از دخالت ناتو در لیبی بار دیگر خون تازه ای به رگهای احزاب ناسیونالیست کرد و فارس پمپاژ شد و قند را در دل آنها آب کرد و خواب و خمودگی آنها بعد از جنگ خلیج را پراند به این امید که بار دیگر دست به دامن ناتو شوند و درخواست کردند که برای سرنگونی رژیم ناتو در ایران هم دخالت کند. این احزاب به عنوان نماینده خود گمارده مردم که منافعشان کاملا با منافع سرمایه دارانه در سطح جهان یکی است با فرمولهای عوامفریبانه و دهن پر کن از جمله: کردها حق دارند که از پشتیبانی بین المللی برخوردار شوند (از اظهارات خالد عزیزی دبیر اول حزب دمکرات کردستان - ایران) دخالت بشر دوستانه ناتو در لیبی و حمایت از آن و درخواست تکرار آن در ایران (که از طرف بخشی از نمایندگان جنبش سبز در خارج مطرح شده است) یا تلاش بخشی از اپوزسیون برای متحد شدن خود را قالب کردن بعنوان نماینده مردم برای جلب نظر دولت آمریکا و ناتو درخواست مذاکره با این دولت‌ها تا نقش چلبی و یا شورای موقت لیبی را بازی کنند. یا گفتن اینکه دخالت ناتو در لیبی در راستای شکوفایی انقلاب در لیبی است (پشتیبانی حزب کمونیست کارگری از قطعنامه سازمان ملل در رابطه با دخالت ناتو). باید برگزاری کنفرانس ملی کرد هم که قرار بود در اربیل کردستان عراق برگزار شود و کومه حزب کمونیست ایران هم قرار بود در آن شرکت کند همه بخشی از این سناریوی سیاه است. خانم هیلاری کلینتون هم فرمودند که تا بحال جنبش سبز از آنها درخواست کمک نکرده که معنایش این است که اگر بکنند آمریکا آماده است که به آنها کمک کند. واقعیت این است که بعد از قطعنامه ای سازمان ملل که به ناتو قدرت تمام داد که در لیبی دخالت نظامی کند و احزاب راست و چپ ایران از آن حمایت کرد این احزاب در استراتژی و آینده ای سیاسی جامعه در ایران را به لحاظ سیاسی بیشتر به هم نزدیک کرد، آنها را هم هدف و هم سرنوشت کرد. هر چند بعد از اظهارات خالد عزیزی مبنی بر اینکه

کردها حق دارند که از پشتیبانی بین المللی برخوردار شوند صدای ناسیونالیست عظمت طلب و شونویست ایرانی را در آورد و حزب دمکرات را متهم به داستان قدیمی تجزیه طلبی کردند. ولی همه این احزاب در استراتژی مشترک هستند چه آنهایی که خواهان دخالت مستقیم نظامی ناتو و آمریکا هستند و چه آنهایی که از تحریم های سیاسی و اقتصادی ایران پشتیبانی کردند. انقلابات و اعتراضات در کشورهای شمال افریقا و کشورهای عربی علی القاعده می بایست به کارگر و مردم زحمتکش و جان به لب رسیده از دست حکومت هار و جانی سرمایه ایران قوت قلب می داد و وحدت طبقاتی طبقه کارگر را برای سرنگونی این رژیم بالا می برد ولی ظواهر امر نشان میدهد که این احزاب راست و ناسیونالیست ایران هستند که از این شرایط انقلابی در خاورمیانه و شمال افریقا به نفع سیاستهای ضد انقلابی و ضد برابری طلبی مردم محروم استفاده می کنند و موقعیت سیاسی بهتری را به این احزاب داده و آنها را تقویت کرده است. کردستان به دلیل موقعیت استراتژیکی آن و سابقه تاریخی مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی سرمایه و وجود احزاب پرو غرب و آماده به خدمت و دست به ماشه تفنگشان در راه سیاستهای فاشیستی ناتو و دولت آمریکا جایگاه و موقعیت ویژه ای دارد و برای همین هم است که مورد توجه طرفین در گیر در تحولات ایران است. آمریکا، ناتو، جمهوری اسلامی و احزاب ناسیونالیست و چپ بورژوازی جامعه هر کدام دنبال منافع سیاسی طبقاتی خود هستند و در نهایت شریک در سناریو سیاه و خوابی هستند که برای جامعه ایران میبندند. تلاش آنها برای سرنگونی و یا اصلاح این رژیم ربطی به رفاه و آسایش مردم کارگر و زحمتکش جامعه ایران ندارد. به همین دلیل طبقه کارگر چه در کردستان و چه در سایر نقاط ایران باید نه تنها با قاطعیت آن را محکوم کند بلکه باید با تمام توان در مقابل آن صف آرایی کند.

لپ مطلب این است که طبقه کارگر در کردستان و ایران کجای این واقعه قرار گرفته است؟ اگر اوضاع به همین روال پیش برود سرنوشت طبقه کارگر در تحولات آتی و پیش رو به کجا ختم می شود؟ متأسفانه تا کنون که اوضاع نه تنها به نفع طبقه کارگر ورق نخورده بلکه سیاستهایی که این احزاب دنبال می کنند کاملا علیه منافع ما، کارگران و کلیه

آزادیخواهان است. این واقعیت را باید به رسمیت شناخت و سریعاً باید برای رفع آن چاره جویی کرد. فعال کارگری و کمونیستها در کردستان لازم است در موقعیت صاحب جامعه ابزار وجود کنند و با شفافیت و روشنی اعلام نمایند که یکسره کردن رژیم جانی سرمایه در ایران امر آنها است و نیازی به دخالت کشورهای غربی و حمایت احزاب ناسیونالیست و ضد منافع کارگر ندارند. اعلام کند که شما بارها امتحان خود را پس داده اید که رفتارتان، سیاستهایتان و اعمالتان از نوع همان رفتارهای رژیم حاکم بر ایران است و تمام هم و غمتان شریک شدن در قدرت و سهم شدن در ثروتی است که من در جامعه تولید می کنم و خودم از دستیابی به همان حقالی که باید زنده بمانم محروم اعلام کند که قطعنامه های سازمان ملل در رابطه با دخالت نظامی ناتو، تحریمهای اقتصادی، اتحاد سازمانهای اپوزسیون در خارج کشور، کنفرانس ملی کرد و... تو سران بخورد و این نه تنها در راستای منافع من نیست بلکه علیه من است پیشکش خوتان چون همه اینها بخشی از آن خواب و سناریو سیاهی است که برای من تدارک می بیند. قربانی این قطعنامه ها و پلاتفرمات من هستم و نه شما که صداپتان از جای گرم در میابید هم و غمتان شریک شدن در قدرت دولتی و به نان و نوایی رسیدن است. کارگران و مردم حق طلب و آزادیخواه لازم است صف طبقاتی خودمان را برای مقابله با صف آرای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، ناتو و احزاب راست و ناسیونالیست و پرو غرب متحد کنیم. چون ضامن پیروزی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب در گرو شفافیت در گفتار و اتحاد طبقاتی ملت و این تنها راه پیروزی ما برای سرنگونی این رژیم و تقابل با احزاب ناسیونالیست است. کمونیستها و فعالین کارگری نباید اجازه بدهند که این احزاب سرنوشتش را ورق بزنند کاری که در حال حاضر در جریان است و باید با قدرت در مقابل آنان ایستاد و همانند رضارخشان بعنوان فعال کارگری اعلام کند که مبارزه با طبقه سرمایه دار امر طبقه کارگر است و ما نیازی به دخالت کشورهای خارجی نداریم و رسماً به این احزاب اعلام نماید که نیابت شما از طرف ما کارگران و پوچ است. این را باید با بانگ رسا و بدون ابهام و ترس اعلام نماید. در صورتی که فعالین و رهبران کارگری و کمونیستها این سیاست روشن و بدون ابهام را در پیش گیرند امیدی به جلوگیری از تکرار سناریوی لیبی، عراق و افغانستان هست در غیر این صورت باید همان سیاست انتظار را پیشه کرد و منتظر تکرار همان تاریخ شد که در این کشورها اتفاق افتاد. گارد آزادی و حزب حکمتیست برای رسیدن به این اهداف مبارزه می کند و کارگران و آزادیخواهان لازم است برای متحقق کردن آن و تقابل با این سناریو سیاه با این حزب همراهی کنند. گارد آزادی ابزار مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تقابل با تمامی باندها و احزاب سناریو سیاهی است آن را از آن خود کنید و در هر جا امکان دارید باحدهای آن را سازمان دهید و در گسترش آن بکوشید.

اطلاعیه خبری شماره ۲ فرماندهی گارد آزادی در کردستان در رابطه با عملیات سیاسی - تبلیغی واحد "نسیم" گارد آزادی در سنندج

محلات به منظور تقویت روحیه آزادخواهی و برابری طلبی مردم و با هدف درهم شکستن فضای خفقان توسط جمهوری اسلامی و هشدار و عقب زدن جریانات تندرو اسلامی حائز اهمیت بود.

لازم به ذکر است، پس از اینکه واحد "نسیم" گارد آزادی "بعد از انجام عملیات با موفقیت آن محلات را ترک کرده بودند نیروهای گشتی رژیم به سه راه کانی کوزله رفته و تنها در خیابان های اصلی گشت می زدند و جرات نمی کردند تا روز بعد وارد کوچه ها و محله های مسکونی شوند. خبر حضور پرشور گارد آزادی وسیعاً در شهر سنندج و دیگر مناطق پخش شده و مایه خوشحالی آزادخواهان و ترس و نگرانی دشمنان مردم و جنبش آزادی و برابری طلبی شده است.

زنده باد واحد نسیم گارد آزادی!
زنده باد آزادخواهان سنندج!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

فرماندهی گارد آزادی در کردستان
S_zijji@yahoo.se
۱۴ آبان ۱۳۹۰
۲۰۱۱-۱۱-۵

حکومت جنایتکار اسلامی و همچنین با جریانات ارتجاعی اسلامی- سنی و دارو دسته های ضد مردمی درگیر هستند با شنیدن حضور نیروی که علیه کلیه این دارو دسته های ضد آزادی و ضد زن مبارزه میکند و برای دفاع از امنیت و آزادیهای جامعه و طبقه کارگر به میدان آمده است عمیقاً ابراز خوشحالی کرده و از فعالیت های گارد اعلام حمایت میکردند.

واحد "نسیم" گارد آزادی "در مسیرهای که حضور علنی و سیاسی تبلیغی پیدا کردند به تعدادی از مرتجعین وابسته به جریان سلفی و مزدوران جمهوری اسلامی که قبلاً زنان و جوانان را تهدید کرده بودند، هشدار دادند که دست از امنیت و آزار و تهدید مردم بردارند. مردم از این اقدام واحد نسیم گارد آزادی بسیار خوشحال شدند.

کانی کوزله و عباس آباد یکی از محلات کارگری و زحمتکش نشین شهر سنندج است که در سالهای اخیر جمهوری اسلامی به جریانات تندرو اسلامی میدان داده است که در آن فعالیتهای خویش را گسترش دهند. این جریانات که مشهور به گروههای سلفی و تبلیغ و ترویج اسلامی هستند زنان و دختران را در محل تهدید میکنند که بدون رعایت احکام اسلامی در محلات آمد و رفت نکنند. حضور گارد آزادی در این

همچنان که در اطلاعیه خبری دیروز به اطلاع رساندیم واحد "نسیم" گارد آزادی "بعد از ظهر روز ۱۲ آبان ساعت ۸ ونیم عملیات سیاسی - تبلیغی گسترده ای را در شهر سنندج شروع کردند و بعد از حضور در چند خیابان و محله آن شهرو استقبال وسیع مردم با موفقیت به حضور و عملیات علنی خود پایان دادند.

واحد نسیم گارد طبق نقشه و برنامه دقیق و تدابیر امنیتی لازم از انتهای خیابان اکباتان و سه راه "کانی کوزله" با پخش و توزیع تراکت ها و اطلاعیه های از حزب حکمتیست و گارد آزادی آغاز فعالیت و حضور علنی خود را شروع کردند. جوانان آزادی خواه و مردم محل از حضور علنی گارد استقبال کرده و با وجود بارش باران واحد گارد آزادی را در مسیرهای فعالیت تبلیغی همراهی و یاری میکردند. در این عملیات که با ابتکار و هوشیاری واحد "نسیم" طراحی و سازماندهی شده بود، پخش وسیعی از مسیرهای انتهای خیابان اکباتان، محله کانی کوزله، عباس آباد و تپه خه جی، کوچه های شهرپور، فروردین، آبان، خرداد و محوطه مسجد کانی کوزله زیر پوشش تبلیغات گارد آزادی قرار گرفت.

آزادخواهان سنندج که همواره در کشمکش با

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حقوق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است. گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند.

زنان و مردان آزادخواه! جوانان انقلابی!



هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید. تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان و رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد. فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.

“تاریخ” کردستان به روایت یک اصلاح طلب کرد

قومی، می خواهند جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند تا بلکه آنها را در مجلس آتی بپذیرند.

مظفر محمدی

این روزها و در آستانه دور دیگر انتخابات مجلس اسلامی، ناسیونالیستهای اصلاح طلب کرد یکی پس از دیگری عروج کرده و باروضه خوانی و نوحه گویی برای دعوت مجدد به مجلس اسلامی به سینه زنی پرداخته اند. بعد از توکلی و جلالیزاده این بار نوبت اصلاح طلب کرد دیگر، عبدالله سهرابی است که ایشان هم عضو مجلس ششم اسلامی بوده و بیرون رانده شده است. عبدالله سهرابی در جواب سوال کننده که هر دو می خواهند “تاریخ” کردستان را در چند سوال و جواب خلاصه و ماستمالی و در یک بسته بندی قومی تحویل دهند! تلاش می کند از موضع یک روشنفکر بورژوا و از زاویه منفعت طبقه خودش به تحلیل تاریخ کردستان بپردازد. و خیلی طبیعی است که یک بورژوا اگر بخواهد تاریخ بنویسد یا از تاریخ حرف بزند تاریخ و شرح حال طبقه خودش را و منفعت طبقه اش را بیان می کند. همانطوری که اگر یک کارگر کمونیست هم تاریخ را بنویسد تاریخ مبارزه طبقاتی و کشمکشهای بین طبقه کارگر و سرمایه داران را می نویسد. علم و سیاست و اخلاقیات و فرهنگ و کل روئبای سیاسی و فرهنگی جامعه از زاویه منافع این دوطبقه قابل توضیح است.

ببینیم سهرابی در مورد این تاریخ چه می گوید:

۱- سهرابی در جواب سوال در باره تغییرات جامعه کردستان در قرن بیست و عروج احزاب سیاسی و افت و خیزهای می گوید، با رشد علم و تکنیک و رنسانس و انقلاب صنعتی و ...، جامعه مدنی بنیاد گذاشته شد و به دنبال رجعت مردم به هویت و فرهنگ ... خود، احزاب سیاسی هم برای جواب به این مساله عروج کردند...

این روایت تاریخ به تعبیر یک روشنفکر ناسیونالیست کرد است که در آن نه خبری از تاریخ به شیوه علمی و جامعه شناسانه است و نه از طبقات.

تا آنجا به کردستان بر می گردد. اگر بخواهیم فقط عکسی از این تاریخ بگیریم، یکی از دوره ها، دوره ملاکان و شیوخ و ملاهایشان

است که قاضی محمد نماینده این طبقه اجتماعی در زمان خودش است. در این دوره علاوه بر عوامل محرک خارجی، از ستم ملی به عنوان ابزاری برای دفاع از ملاکان بزرگ و شیوخ و غیره استفاده می شود و جمهوری مهاباد بنیاد می گردد که نماینده واقعی یک طبقه و اقشار اجتماعی معین از جمله ملاکان زمین و تجار شهری است نه زحمتکشان و بخصوص کارگران که در آن زمان به دلیل عدم رشد و انکشاف سرمایه داری در کردستان هنوز وزنه اجتماعی قدرتمندی نبود. با اصلاحات ارضی شاه، طبقه سرمایه دار از کارخانه داران و صاحبان کوره و کارگاه های کوچک و بزرگ تا صاحبان املاک و تجار شهری و ملاکان بزرگ در روستاها یک طبقه جدید سرمایه داری بوجود آمد که بهمرایه کارگر شهری و کارگران کشاورزی و سیعی را نیز به همراه داشت. سرمایه به کارگر نیاز داشت و صدها هزار کارگر روستایی در میان بی زمین ها و دهقانان فقیر روانه شهرها شده، درحاشیه شهرها مسکن گزیدند و به کار در مراکز کار و در صنایع ساختمان و غیره پرداختند. مبارزات این بخش از زحمتکشان شهری در حاشیه شهرها برای بدست آوردن سرپناه و رفاهیات و تلاشهایشان برای کسب خور و نمیری برای خانواده هایشان حتی با دستفروشی اولین نطفه های درگیری وسیع زحمتکشان با رژیم شاه در شهرهای بزرگ ایران و از جمله کردستان بود. در نتیجه این تحولات است که طبقات اجتماعی احزاب سیاسی خود را هم از دل خود بیرون دادند، نه از طریق نور پاشیدن روشنفکران بر جامعه! در این دوران حزب دمکرات حزب سرمایه داران شهری و ملاکان و زمین داران بزرگ روستایی شد و هنوز طبقه کارگر بدون حزب سیاسی بود. همزمان با انقلاب ۵۷ در میان روشنفکران چپ و کارگران و زحمتکشان شهر و روستاهای کردستان سازمان کومه له که بعدا به تشکیلات کردستان حزب کمونیست ایران تبدیل شد، منافع کارگران و زحمتکشان کردستان را نمایندگی کرد. به این ترتیب طبقات اصلی اجتماعی در کردستان یعنی کارگران و سرمایه داران هرکدام حزب و نمایندگان سیاسی خود را

در میان خود با مقابله با یورش جمهوری اسلامی به کردستان، مبارزه طبقات در شهر و روستاها هم در جریان بود که حزب دمکرات از صاحبان کارخانه و کوره پزخانه ها و زمینداران بزرگ روستاها در مقابل کارگران و زحمتکشان دفاع می کرد. و این مبارزه طبقاتی و سیاسی و اجتماعی تا کنون ادامه دارد و کارگران و زحمتکشان و زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در کردستان نیروی اجتماعی این مبارزات و تلاشهای انسانی هستند. تاریخ مبارزه طبقاتی در کردستان هم بعضا نوشته شده و هم شاهدان زنده خود را دارد. این تاریخ واقعی و عینی جامعه کردستان است نه عروج روشنفکران در نتیجه رجعت به هویت و فرهنگ و ... که سهرابی تعریف می کند. این رجعت به جایی نیست. این قانون مبارزه طبقاتی و وجود طبقات در جامعه است که به عنوان شرایط عینی، روئبای سیاسی و فرهنگی... خود را هم به دنبال می آورد. بنا بر این، وجود یا عروج روشنفکران و احزاب همگانی که مبارزه عموم مردم را همزمان نمایندگی می کنند، دروغی بیش نیست. احزاب ناسیونالیست در کردستان بهمرایه طبقه، کرد بوجود آمدند و این طبقه، روشنفکران خود را هم به جامعه معرفی کرد. روشنفکر کرد، از این منبع (ناسیونالیسم) تغذیه و فرهنگ و ادبیات و شعر و هنر و ... خاص طبقه خود را تولید و به جامعه معرفی و در واقع بخشی از جامعه را با آن مسموم کرده و می کنند. ستم ملی در نتیجه استبداد و سرکوب و تبعیض، حکومتهای مرکزی از سلطنتی تا جمهوری اسلامی موجبات نارضایتی و نفرت از تبعیض در میان مردم کردستان را همواره فراهم کرده است. احزاب سیاسی بورژوازی کرد از این شرایط (ستم ملی) و نارضایتی مردم کرد زبان، به عنوان ابزار فشار بر حکومت های مرکزی برای شریک شدن در قدرت و ثروت استفاده کرده و می کنند. و این پروسه فشار و مذاکره و سازش و انتظار، تا کنون هم ادامه دارد. آخرین نمونه اش تلاش کنونی اصلاح طلبان کرد است که با “رجعت” به هویت

۲- سهرابی در جواب سوال جایگاه کمونیسم در کردستان و مبارزه برای رفع ستم ملی، می گوید، تفاوت “ایدئولوژی” کمونیسم با تفکر مردم کردستان که همه مسلمان اند، یک عامل مهم در تضعیف کمونیسم در جنبش کردستان بوده است. یا می گوید، کمونیسم به خواست ملی و حقوق ملت کرد جواب نداد. اولاً، سهرابی مثل هر روشنفکر بورژوازی دیگر کمونیسم را ایدئولوژی می نامد. این ترفند همه بورژوازی در طول حیات سرمایه داری است که کمونیسم را جدا از طبقه کارگر و یک ایدئولوژی مانند مذهب که گویا از خارج به درون طبقه کارگر برده می شود، می نامد. این تفکر در میان بورژوازی مطلقاً معرفتی نیست. بورژواها کم تر از کارگرها به مارکس و مارکسیسم آشنا نیستند. می دانند که کمونیسم و طبقه کارگر اختراع مارکس یا هیچ مغز متفکر یا پیامی الهی نیست. آنها حضور و وجود طبقه کارگر به عنوان دشمن طبقاتی خود و خطر کمونیسم اجتماعی طبقه را روزمره حس میکنند و می بینند. طبقه کارگر را طبقه سرمایه دار بوجود آورده است و کمونیسم علم مبارزه طبقه کارگر است. کمونیسم جنبش اجتماعی طبقه کارگر است. بهر درجه طبقه کارگر به موقعیت خود به عنوان مزدبگیر و استثمار شده که ارزش اضافی تولید و خود از محصول کار خود بی بهره است آگاه شود، بیشتر به کمونیسم نیاز دارد. کمونیسم خواست طبقه کارگر برای خلع ید از بورژوازی، لغو کار مزدی و ایجاد جامعه سوسیالیستی و آزاد و برابر است. بنا بر این کمونیسم ایدئولوژی نیست. جنبش اجتماعی یک طبقه است (طبقه کارگر)

دوماً، سهرابی تلاش می کند مبارزه برای رفع ستم ملی را تماماً به کیسه ناسیونالیسم کرد بریزد و چپ و کمونیسم را با دلایلی که برایش می تراشد از این مبارزه یا جواب به خواست رفع ستم و تبعیض ملی، کنار بگذارد. این هم تحریف تاریخ در روز روشن و در مقابل چشمان خود شاهدان زنده این تاریخ است. مبارزه مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی برای رفع ستم و تبعیض و استثمار و سرکوب سه دهه است در جریان بوده است. دوجنبش اجتماعی اصلی در

کردستان در کنار هم علیه جمهوری اسلامی وجود داشته اند. هر کدام از این جنبش ها متعلق به یک طبقه اجتماعی معین (نه یک ایدئولوژی) و سیاست خود و حزب یا احزاب سیاسی و سخنگوی خود رداشته است. حزب دمکرات در همه این سالها تلاش کرده است خود را حزب محبوب ملت کرد (منظور از ملت کرد، طبقه کارگر و سرمایه دار و زحمتکش و همه است) به جامعه معرفی کند. اما این را کسی از او نخریده است. در کنار جنبش ناسیونالیستی که حزب دمکرات نمایندگی اصلی اش را بعهده دارد، یک جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان و سکولارها و برابری طلبان وجود داشته است که حزب سیاسی و نمایندگی و سخنگویان خود را داشته، وجود دارد. به همین دلیل کردستان بیشتر از هر جای ایران علیرغم موقعیت متفاوت و حتی ضعیف ترش به نسبت شهرهای بزرگ ایران با مراکز کابری بزرگ، جامعه ای حزبی و متشکل در جنبش های اجتماعی متفاوت از چپ و راست بوده است. تلاشی که می خواهد مبارزه و مقاومت مردم کردستان را یک جنبش نامیده و آن را به ناسیونالیسم کرد منتسب کند، تلاشی مذبحخانه است و در مقابل واقعیات عینی و شاهدان زنده آن مطلقاً تاب مقاومت نداشته و پوچ است

3- از نظر سهرابی دوم خرداد تاثیر بزرگی بر جنبش کردستان گذاشته و برای اولین بار نماینده های واقعی مردم به مجلس اسلامی راه یافتند. و فرصت تاریخی برای مردم ایران و بویژه ملت کرد فراهم شد. و متاسف است که این تلاشها به ثمر نرسیدند. مدت ها است دوم خرداد شکست خورده و تاریخش پسر آمده است و در این باره زیاد گفتیم. اما اینجا سهرابی یک حقیقت را وارونه می کند و آن این است که دوم خرداد برای مردم ایران و کردستان فرصت نخرید برعکس 8 سال حاکمیت خاتمی و دوم خرداد برای جمهوری اسلامی عمر خرید. جدا کردن جریان اصلاحات و دوم خرداد از پیکره جمهوری اسلامی و ستایش آن، یک کلاسی آشکار سیاسی است. خود جریان دوم خرداد و رهبرش خاتمی چنین نمی گویند. می گویند ما یک نظام هستیم، اما بخشی انحصارگرا است و قدرت را قبضه کرده و بخش دیگر ناچار اپوزیسیون شده است. تقسیم جناح های جمهوری اسلامی به خوب و

بد، خدمت بزرگی به کلیت نظام جمهوری اسلامی است. این تطهیر نظامی است که با قوانین اساسی و مدنی و قانون کار و قانون شریعت و خانواده اش، یک زندگی جهنمی برای ده ها میلیون انسان در ایران درست کرده و استثمار وحشیانه در نتیجه کار ارزان و فقر و فلاکت را به جامعه تحمیل نموده است. همه این دارو دسته های اصلاح طلب از خاتمی تا موسوی و طرفداران جنبش سبز تا اصلاح طلبان کرد، همگی در حفظ نظام جمهوری اسلامی شریک و هم پیمانند.

سهرابی خود و همکاران اصلاح طلب کردش را جای مردم کردستان می گذارد و رفتن جنابانشان به مجلس اسلامی را پیشروی و پیروزی مردم کردستان قلمداد می کند. و همه این ها را می گوید تا به زبان بی زبانی بگوید که جمهوری اسلامی بار دیگر این فرصت را در اختیار آنها قرار داده و به مجلس راهشان دهد و بار دیگر مردم کردستان پیروز شوند! جواب این حقه سیاسی رامردم کردستان به خوبی دارند. بایکوت جنبش سبز در کردستان در همان حال دست رد به سینه اصلاح طلبان کرد هم هست. تلاش مذبحخانه "رجعت" به هویت قومی و کردی و هوای لباس کردی در سر و به زبان کردی حرف زدن داشتن، ریاکاری ای است که برای کارگران و مردم کردستان معرفه است.

متعاقباً سهرابی می گوید، سکوت مردم کردستان در قبال جنبش سبز موجب از دست دادن یک فرصت تاریخی بود. این یک دروغ آشکار است. اگر مردم کردستان از سهرابی بپرسند که آن بخش از مردم ایران که به موسوی رای دادند و به خاطر شکستش در انتخابات کشته و زخمی دادند، کدام فرصت را تاریخی را به دست آوردند، جواب ایشان چیست؟ جز شرمساری از کتمان حقیقت در قبال مردم در کردستان!

4- سهرابی اصلاح طلب کرد، در همصدایی با دیگر ناسیونالیست ها و قوم پرستان در کردستان برای اثبات ضرورت دخالت نظامی امریکا و ناتو در ایران شبیه کاری که در لیبی کردند، انقلابات در کشورهای عربی مانند مصر و تونس را تحریف می کند. اومی گوید: "در کشورهای عربی، همه ملت و صاحبان مذاهب و افشار اجتماعی در شهرها و پایتخت های این کشورها در سایه ی کمک دولتهای ابرقدرت به میدان مبارزه کشانده شدند." (نقل به معنی)

این هم یک تحریف و دروغ آشکار و در روز روشن و جلو چشمان کارگران و مردم زحمتکش و انقلابیون مصر و تونس که هنوز مشغول تداوم انقلاباتشان هستند، می باشد. دروغی کثیف به خاطر هدفی پلید! از نظر سهرابی و همکاران و همفکرانش سناریوی لیبی هم، همانند مصر و تونس، انقلاب مردم بوده است. اما هیچ انسان شرافتمندی این حقه بازی را از اینها نمی پذیرد. سناریوی لیبی سناریوی ضد انقلابی و نفرت انگیز است. کسی که محرک اعتصابات کارگری و تظاهرات و قیام های مردم مصر و تونس علیه حکومت های استبدادی و ستمگر و استثمارگر را، دولتهای ابرقدرت می داند، اهانت بزرگی به طبقه کارگر مصر و تونس و همه انقلابیون این کشورها کرده است. شنیدن یا خواندن چنین قضاوتی، در باره انقلابیون و انقلاب مصر و تونس، به شدت منجر کننده و نفرت انگیز است.

همچنین، سهرابی آه و ناله سر می دهد که هیچ وقت ملت کرد فرصتهایی که برای کشورهای عربی پیش آمد پیدا نکرده است. این هم ادعایی دروغین و کتمان یک حقیقت آشکار است که در بیخ گوش سهرابی ها و در کردستان عراق اتفاق افتاد. سهرابی پنهان می کند که روی کار آمدن حکومت کردی در کردستان عراق بدون کمک امریکا و در نتیجه تحولات بعد از جنگ خلیج ممکن نبود. حاکمیتی که هنوز هم در سایه امریکا قادر است سر پا بایستد و به حیاتش ادامه می دهد.

6- تحریف تاریخ از جانب سهرابی اصلاح طلب، یکی دو تا نیست. سرتاپای کلامش در باره تاریخ کردستان تحریف است. ایشان می فرمایند، مناسفانه، در ایران و کردستان شرکت زنان در پروسه سیاسی و "روشنگری" به نسبت مردان بسیار کم تر بوده است... اما گوشه چشم و لطفی هم به زنانی دارد که از نظر ایشان جسورانه و به مانند "شیر" در کردستان و بویژه در جنبش سبز در ایران شرکت کردند!

5- سهرابی احزاب کردستان را به چپ و راست تقسیم کرده می گوید، چپ ها ابتدا ضد ناسیونالیست بودند اما بعد از فروپاشی بلوک شرق، سوسیال دمکرات و لیبرال شدند و نهایتاً برای این که رای و نظر مردم را به دست آورند، ناسیونالیست شدند. او راست ها را می ستاید که از همان آغاز پرچم آزادی و دمکراسی را در دست گرفتند و حق ملت کرد را خواستند و از نظر ایشان این جریان راست هنوز سودمندی و کارکرد خود را از دست نداده است.

اولاً سهرابی نمی گوید منظورش از چپ کدام جریان در کردستان است. چپ در کردستان از سازمان ها و احزاب و با اسم و رسم و طیفهای گوناگونی تشکیل شده است از آنجا سهرابی گاه از کردهای کشورهای مختلف حرف می زند. من ناچارم حدس بزنم که منظور او

بخش عمده ای از جریاناتی که در کردستان عراق و ترکیه تحت عنوان چپ وجود داشته و دارند، است. جریاناتی از جمله کومه له رزددان و یا پ ک ک و ... که در واقع جناح چپ جنبش کردیبه تی (ناسیونالیسم کرد) هستند. این جریانات و طیف چپ نه ضد ناسیونالیسم بودند و نه سوسیالیست و یا حتی لیبرال. (در اینجا فرصت بحث در مورد این جریانات نیست.) اما جنبه دیگر تحریف این تاریخ، از قلم انداختن چپ کارگری و کمونیستی در کردستان ایران و متعاقباً کردستان عراق است. این، یک فراموشکاری ساده نیست. یا به این دلیل نیست که گویا کومه قدیم و حزب کمونیست ایران و کمونیسم کارگری در کردستان ایران و عراق و حزب حکمتیست، از دیدگاه سهرابی جایگاه حاشیه ای و کوچکی در جامعه دارند. برعکس از دشمنی عمیق ناسیونالیسم کرد و بویژه اصلاح طلبان کرد پیرو خاتمی و موسوی است که این چپ را مانع جدی و اصلی نیپوستن کارگران و مردم زحمتکش کردستان به جنبش سبز می دانند. و این واقعیت دارد و دشمنی عمیق این روشنفکر اصلاح طلب کرد، تاحدی است که نامی از طبقه کارگر و کمونیسم متشکل در کردستان نبرد.

6- تحریف تاریخ از جانب سهرابی اصلاح طلب، یکی دو تا نیست. سرتاپای کلامش در باره تاریخ کردستان تحریف است. ایشان می فرمایند، مناسفانه، در ایران و کردستان شرکت زنان در پروسه سیاسی و "روشنگری" به نسبت مردان بسیار کم تر بوده است... اما گوشه چشم و لطفی هم به زنانی دارد که از نظر ایشان جسورانه و به مانند "شیر" در کردستان و بویژه در جنبش سبز در ایران شرکت کردند!

از جنبشهای اجتماعی زنان از همان روزهای اول حاکمیت جمهوری اسلامی علیه حجاب تا کنون در ایران اگر بگذریم، نقش زنان در کردستان، شرکت در مبارزه مسلحانه، حضور در مبارزات اجتماعی و برای برابری، برگزاری 8 مارس ها، وجود تشکل های زنان سوسیالیست و برابری طلب و غیره از نمونه های حضور برجسته زنان در کردستان هستند که باز هم سهرابی از گنجاندن آنها در تاریخ نویسی دلخواهی و البته طبقاتی خود ابا داشته و در واقع ترس دارد. جای خود دارد، فعالین جنبش برابری طلبی زنان که حی و حاضر

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان کردستان دخالت نظامی ناتو و غرب علیه منافع مردم است

جامعه مثل امروز عراق و افغانستان، و به میدان آمدن انواع دارودسته های مسلح و گردنه بگیر و سناریو سیاه ای که زندگی را بر یک جامعه هفتاد میلیونی سیاه خواهند کرد. این سیاست ناسیونالیستها، آشکارا با خواست و توقعات انقلابی و انسانی ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کردستان در تضاد است. این سناریو، در ضدیت کامل با دستاوردهای مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه ای است که کارگران و مردم آزادیخواه کردستان در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی آن را نمایندگی کرده اند.

لذا تلاش ارتجاعی جریانات ناسیونالیست که بخواهند مردم کردستان را به نیروی ذخیره طرحهای جنگی ناتو و کشورهای غربی تبدیل کنند، باید افشا و خنثی کرد. به همین خاطر، ضروریست صف کمونیستها و آزادیخواهان کردستان، بمنظور بر ملا کردن

لیبی در ایران و امیدواری آنها به اوج گرفتن کشمکش جدید آمریکا و ایران و اتکایشان به تحریمهای اقتصادی و تهدیدات نظامی بیشتر غرب علیه ایران، با تلاش بر حق ما کارگران و زحمتکشان برای رهایی جامعه از استثمار و ستم و سرنگونی جمهوری اسلامی خوانایی ندارد.

عواقب سیاسی درخواست اجرای الگوی لیبی در ایران، قبل از هر چیز یعنی امید بستن به نیروی "ناتو و کشورهای غربی"، یعنی ایجاد توهم و عدم اتکا به اتحاد و مبارزه انقلابی خودمان، یعنی آتو دادن به دست جمهوری اسلامی تا به بهانه "خطر بیگانه" دوباره مردم را بکوبد و سرانجام یعنی تقویت رژیم جمهوری اسلامی و ماندگاری هر چه بیشتر او بر اریکه قدرت. حمله نظامی به ایران بلحاظ عملی، یعنی تخریب تمام و کمال زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی ایران، به هم زدن شیرازه

ضد مردمی هستند. تا کنون حزب دمکرات کردستان (خالد عزیزی) صریحتر از بقیه و به عنوان نماینده خود گمارده "کردهای چهار پارچه" حرف دل همه ناسیونالیست های کرد را بر زبان آورده و از شورای امنیت سازمان ملل میخواهد مشابه لیبی و بر اساس اصل "مسئولیت حمایت" به "یاری" مردم کرد بشتابند. حزب دمکرات کردستان ایران و دبیر کل آن مصطفی هجری، مجدداً به دیالوگ و دیدار ماموران دسته چندم سنای آمریکا و بعضی کشورهای اروپا روی آورده است. پژاک هم اعلام آمادگی کرده نه تنها در کردستان ایران بلکه در هر چهار پارچه سربازجانباز "آزاد سازی کردستان" طبعاً زیر حمایت ناتو خواهد بود.

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان!

امید بستن جریانات ناسیونالیست در کردستان به تکرار سناریوی

بعد از دخالت نظامی ناتو در لیبی، قدرتهای بزرگ غربی و سوسه شده اند، در بعضی کشورها و کانونهای بحرانی دیگر این تجربه را تکرار کنند. بر خلاف تبلیغات رسانه های پروغربی و ارتجاعی، جنگ و دخالت نظامی ناتو در لیبی، تحرک انقلابی و اراده به میدان آمده مردم را برای آزادی و رفاه و سعادت را به بیراهه برد. ارتجاع دیگری را به قدرت رساند و شواهد نشان میدهد، جامعه لیبی به مسیر بی ثباتی و جنگ داخلی و ناامنی سوق پیدا کرده است. همانطور که قبلاً نمونه های آن را در عراق و افغانستان شاهد بودیم. اینست ارمنان طرحهای جنگی قدرتهای امپریالیستی که تحت نام حمایت از "حقوق بشر و ضدیت با دیکتاتوری" آن را توجیه میکنند. به دنبال این واقعه باردیگر بخشی از احزاب بورژوازی و ارتجاعی در ایران، از جمله احزاب ناسیونالیست کرد از هم اکنون فعالانه در صدد استقبالی از این سناریوی

این است که، حرف اول و آخر را در کردستان طبقات اجتماعی و جنبش ها و احزاب سیاسی نمایندند. منافع این طبقات، می زند. روشنفکران ناسیونالیست کرد، چه بخواهند و چه نخواهند، جزئی از جنبش ناسیونالیستی کرد اند و در خدمت این جنبش.

ادعای "استقلال" روشنفکران کرد اصلاح طلب و غیر اصلاح طلب از جنبش بورژوازی خود و احزاب سیاسی اش و یا نصایح داهیهان شان برای رهبران سیاسی جنبش خود و یا آرزوی فرماندهی کردن جامعه، ادعاهایی پوچ و مسخره اند.

با شکست پی در پی جنبش اصلاح جمهوری، اصلاح طلبان کرد هم، از جمهوری اسلامی رانده شده اند و هم از طرف احزاب سیاسی و جنبش خود در کردستان با نگاه شک و تردید و بی اعتمادی نگریسته می شوند.

هم، حضور اصلاح طلبان کرد در مجلس آتی است. و زهی خیال باطل! چرا که جنبش انقلابی مردم کردستان و مبارزات سیاسی و طبقاتی در تمام این سه دهه اخیر حتی یک مورد هم فرامین سهل است بلکه برای هیچ رهنمود روشنفکرانه این ها، تره خرد نکرده است. این ها که امروز رسالت حفظ نظام جمهوری اسلامی با اصلاحات و از طریق هماهنگی و مدیریت و متحد کردن احساسات و هویت قومی، بر عهده گرفته اند، نمی توانند

با فرهنگ و ادبیات و نصایح روشنفکرانه و فرامین مالیخولیایی و مافوق طبقات و جنبش های اجتماعی، در کردستان جای پای محکمی برای خود درست کنند. این ها وقتی از حاکمیت روی بر می تابند یا بیرون رانده می شوند، به جامعه و مردم (بخوان هویت قومی) رجوع می کنند. این ها از تاریخ و جامعه عقب اند. مرتجع اند.

اگر بخواهم خلاصه بگویم، جواب همه اصلاح طلبان کرد به سادگی

روشنفکر کرد (بخصوص از نوع اصلاح طلب آن) از نظر سهرابی، به مانند مغز در جسم جامعه است و جامعه کردستان باید فرامین آن را اجرا کند.

فرامین کنونی این مغزهای جامعه (اصلاح طلبان کرد) به مردم کردستان هم در حال حاضر شرکت در انتخابات مجلس اسلامی به این شرط است که نهادهای تصمیم گیری جمهوری اسلامی صلاحیتشان را رد نکنند.

اما کیست نداننده که در حقیقت و در صورت تایید صلاحیت، این آقایان دیگر نیازی به رای مردم ندارند، اما اصلاح طلبان کرد مردم کردستان یا بهتر بگویم "هویت کردی" و ناسیونالیسم را به عنوان ابزار فشار و تهدید رقبای خود در جناح مخالف برگزیده اند. همچنانکه جلالیزاده نارضایتی مردم کردستان را آتش زیر خاکستر نامیده و به جمهوری اسلامی هشدار داده است که مواظب این آتش باشد. جلوگیری از شعله و روشن شدن این آتش

درصحنه اند با فاکتورهای روشن این روشنفکر اصلاح طلب کرد را به خاطر تحریف واقعیات طبقاتی و اجتماعی افشا و رسوا کنند.

7- و بالاخره همانطوری که گفتم تاریخ کردستان از نظر سهرابی ها تاریخ روشنفکران کرد و جنبش روشنفکران کرد است! نه تاریخ طبقات اجتماعی و جنبش هایشان. ایشان صفاتی را برای جنبش خود از زبان اسناد دسته بندی شده بریتانیا تعریف می کند که از جمله آنها، ناموس پرستی است. و البته ایشان هیچ اعتراضی به این جنبه سند ندارد هیچ بلکه با احترام ناموس پرستی را "زیاد حساس بودن به ناموس" نام می برد. سهرابی خود نیز از آزادیخواهی و روشنفکری را از برکات ظلم و زور و پاپمال کردن حقوق ملت کرد، می داند. و نهایتاً نیاز جامعه کردستان از نظر ایشان، هماهنگی کردن و مدیریت و متحد کردن احساسات قومی و فرهنگی و روشنفکرانه... است. چرا که

و فاش نمودن این سیاست، آگاهانه تر و متحدانه تر از همیشه به میدان بیاید. باید کاری کرد، جامعه کردستان بار دیگر به کانون گرم تحرک انقلابی علیه جمهوری اسلامی و علیه پیاده کردن طرحهای ارتجاعی آمریکا و کشورهای غربی و احزاب ناسیونالیست تبدیل شود. ما، در راستای این هدف این بیانیه را امضا میکنیم و همه آزادیخواهان در سراسر جهان را فرامیخوانیم علیه این سیاست ارتجاعی با هم صف متحدی را شکل دهیم.

امضاها:

- 1- آزاد زمانی 2- آذر مدرسی
- 3- آرزو محمدی 4- آرام
- 5- آزاد کریمی 6-
- 7- آرام جلیل پور
- 8- آلان خضری 9- آکام جلیل
- 10- آفاق وکیلی 11- آرام
- 12- آرش حسینی 13-
- 14- آرش جلیل پور 14- اتوسا
- 15- افسانه زیجی 16-
- 17- اسماعیل ویسی 17- افسانه رها
- 18- ابراهیم باتمانی " شیروانه "
- 19- اسد گلچینی 20- ابوبکر
- 21- ایوب باجلانی
- 22- الناز معین 23- ادیب
- 24- ابراهیم خانی 25
- 26- اسعد حاجی حسینی
- 27- اکبر
- 28- اسماعیل محمدی
- 29- بابک اشرفی 30- بانو
- 31- بهمن تقی پوریان
- 32- بهرام مدرسی 33- بریا
- 34- بهمن یوسفی
- 35- بابک باجلانی
- 36- بیژن حاجی حسینی 37-
- 38- توفیق پیر
- 39- توفیق محمدی 40
- 41- ثریا احمدی
- 42- جمال کمانگر 43-
- 44- جمال
- 45- جلیل رضائی
- 46- جبار کردی 47- جمیل
- 48- جلال محمود
- 49- جبار پیرکه 50-
- 51- چیمین
- 52- چیا محمدی 53-
- 54- حسین
- 55- مرادبیگی " حمه سور "
- 56- حسین
- 57- حبیب ابراهیمی
- 58- حسین مرادی 59- حبیب
- 60- حسین حیدری -
- 61- حسام منتظری - 62- خدر
- 63- خالد حاجی
- 64- دپیا علیخانی
- 65- دریا جوادیان - 66-
- 67- رضا دانش
- 68- رضا کمانگر 69- رحمان
- 70- رسول بناوند
- 71- رنوف افسانی 72-
- 73- روناک
- 74- رحمت مفاخری
- 75- ریبوار رسولی 76-
- 77- رامین
- 78- روناک زندی 79-
- 80- زانیار
- 81- سهند حسینی
- 82- سیفه صادقی 83- سیوان
- 84- سعید یگانه 85-
- 86- سارا
- 87- سیوان رضائی
- 88- سالار محمدی 89-
- 90- سلام زیجی
- 91- سالار کرداری 92- سیف
- 93- سعید قادری 94-
- 95- سعیده
- 96- ساکار احمدی 97-
- 98- سهند
- 99- سحر زرین
- 100- سمیرا سپهری 101-
- 102- سلیمان
- 103- سعید کشاورز
- 104- سیامک شعاعی 105-
- 106- سحر
- 107- سعید سفیدی
- 108- سیف الدین حیدری 109
- 110- سالار " صدیق " محمدی
- 111- سمیه رستمی 111-
- 112- سید زاده " خانم صفری "
- 113- شرمین فاطمی 113-
- 114- شیلان
- 115- شلیخ خضری
- 116- شیرین ارجمند 117-
- 118- شمس
- 119- شنه احمد 120-
- 121- صلاح
- 122- صالح
- 123- صالح
- 124- منصوروری 124- صالح
- 125- عزت دارابی
- 126- علی ویسی 127-
- 128- عارف
- 129- علی عبدالی 130-
- 131- علی
- 132- عبدالله علی
- 133- عبید گویلی 134
- 135- علی
- 136- علی امجدی
- 137- عطاگل محمدی 138-
- 139- علی قادری
- 140- عابد سامی
- 141- علی
- 142- علی
- 143- عباس زردارا
- 144- عطیفة فاتحی 145-
- 146- علی
- 147- علی بهمنی
- 148- عدرا آدمی " آباچی "
- 149- علی محمدی 150-
- 151- فریده
- 152- فرزاد نازاری
- 153- فاطمه محمدی 154-
- 155- فواد آقابیگ زاده
- 156- فوایح
- 157- فواد عبداللهی
- 158- فریده رضائی 159-
- 160- فواد
- 161- فواد حیدری
- 163- قدرت ریاحی
- 164- کیوان
- 165- کامیار احمدی
- 166- کاوه خضری 167-
- 168- کیوان
- 169- کریم حسینی(ز)
- 170- کیوان کتابی 171-
- 172- کریم
- 173- مرادی " کانی شه "
- 174- لقمان
- 175- لانه احمد 176
- 177- گلاویژ
- 178- گلباخ سلیمی
- 179- گلاویژ حاجی میرزائی
- 180- مصطفی یونس- 181-
- 182- مریم مصطفی سلطانی
- 183- محمد
- 184- محمد نوری
- 185- ملکه عزتی 186
- 187- نظیره
- 189- نسرین امیری
- 190- ناصر علی
- 191- نسرین
- 192- ناصر مرادی
- 193- نسرین بابا سلجی 194-
- 195- محمد
- 196- محبت جلیل پور
- 197- محسن حسینی 198-
- 199- مریم
- 200- مصطفی رشیدی
- 201- مونا گل نراقی 203-
- 204- مصلح
- 205- محمود محمود
- 206- محمود خاطرری "
- 207- محمد حمیدی -
- 208- مریم افراسیابپور 209-
- 210- مریم
- 211- میم شکیب 212
- 213- مختار
- 214- مهدی دارابی
- 215- مهدی مرادی 216-
- 217- محمود
- 218- نهیه الزامی 219
- 220- نرگس
- 221- نسرین رخزاد
- 222- ناهید فاتحی 223-
- 224- وریا
- 225- ولی چوپانی
- 226- همایون گدازگر 227-
- 228- هلاله طاهری 228-
- 229- هادی
- 230- یدی گلچینی 231-
- 232- یوسف خیرخواهی 232-
- 233- هازه محمدی
- 234- هاشم ترکمن 235- محمد
- 236- سلطانی
- 237- بختیار پیرخضری
- 238- صمد شکوهی 239-
- 240- علی محمدی
- 241- نشمیل فاتحی 242-
- 243- جمال محسن
- 245- محسن کریم 246-
- 247- سالار
- 248- عامر سابیر 249-
- 250- مریم
- 251- بکر حماد
- 252- " آلمان "
- 253- ناصر محمدی 254-
- 255- نعمت
- 256- خالد ظاهری
- 257- آوات صادقی 258-
- 259- مصطفی
- 260- گولاله معروف
- 261- نزار عقراوی 262-
- 263- آزاد بکر
- 264- " آلا
- 265- فریق 266-
- 267- شکرپه عبد الله
- 268- کامیل احمد
- 269- ابراهیم محمد 270-
- 271- انور نوری " نروژ "
- 272- سویبه محمد " نروژ "
- 273- ناصر عجم
- 274- رامین نیاکان

ادامه دارد

توضیحات:

رفقا و دوستانی که مایلند جهت بیانیه را امضاء کنند. جهت تسهیل و تسریع در پیشبرد کار و درج اسامی شان در بیانیه میتوانند به آدرس های زیر ما را در جریان قرار بدهند.

با سپاس فراوان!

esmail.waisi@gmail.com

کمیته کردستان- حکمتیست
rawabet.omumi.k@gmail.com

جنبش ناسیونالیستی کرد

"ناتو و تکرار سناریوی لیبی" در ایران!؟

مصاحبه اسماعیل ویسی با
عبدالله دارابی

اسماعیل ویسی: اخیراً و بدنبال دخالت "نیروهای نظامی پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو" در لیبی و نقشی که در کنار نیروهای مخالف ایفا نمود که منجر به "سرنگونی حکومت معمر قذافی" شد. جریانات و احزاب سیاسی ناسیونالیستی در ایران در ابعاد سراسری و بخصوص در کردستان و بطور مشخص و رسمی "حزب دمکرات کردستان با مسئولیت خالد عزیز" از "شورای امنیت سازمان ملل" در خواست نمود که مشابه لیبی و بر اساس اصل "مسئولیت حمایت" به یاری مردم کرد بشتابند. و ... هر چند فکر میکنم تکرار سناریوی لیبی توسط نیروهای ناتو در ایران محتمل نیست. در این رابطه چگونه فکر میکنید؟ عوارض "مثبت و منفی" تکرار سناریوی مشابه لیبی در ایران در ابعاد اجتماعی و در رابطه با جنبش اعتراضی بر علیه حکومت اسلامی در سراسر ایران و از جمله در کردستان چه میباشند؟

برانداز کرده اند، و از قبل هم چون پادو و وردست اجرایی این سیاست، در محضر ناتو و آمریکا ثبت نام نموده اند. درست است نظام امروز حاکم بر جهان کاملاً کثیف و سیاه است. ولی با وجود آن، اتخاذ چنین تصمیمی با این غلظت بالای ضد انسانی، کار هر حزب و جریانی نیست. احزاب ای میتوانند به چنین سناریو سیاهی امید ببندند که در قساوت و بی رحمی کم نظیر باشند، بخاطر کشتار مردم و ویران کردن زیر ساختهای اقتصادی جامعه و اماکن زندگی آنها مضطرب و دلواپس نباشند، و از هم گسیختگی شیرازه جامعه امتناع و خودداری نه ورزند. لابد احزابی که از ناتو درخواست کمک کرده اند، این قابلیت را راجع بخود مورد سنجش قرار داده اند و با اتکاء به آن، در تکرار سناریو شبیه لیبی در ایران با ناتو و آمریکا، هم کاسه و همدم می شوند. از قرار معلوم احزاب ناسیونالیست کرد رسیدن به اهداف خویش را در متوسل شدن به ناتو و لیبیایزه کردن ایران می بینند. چون همسرنوشتان آنها در لیبی و آنسوی مرز، در تخریب و ویران کردن کشور های عراق و لیبی بخدمت آمریکا و ناتو در آمدند و به پاس آن،

بسرعت در ردیف سرمایه داران میلیاردی جهان نیز قرار گرفتند. بدنبال بوقوع پیوستن سناریوی لیبی، قرانن نشان میدهد که احزاب لیبی در ایران جواب نمیگیرد. چون جنبه تحلیلی نوع سناریوی لیبی در ایران، جوانب مختلف و احتمالات متفاوت را در بر میگیرد که بخودی خود بلحاظ بیان موضع گیری تحلیلی، هیچک از آنها نا معتبر بنظر نمی رسند. اما بلحاظ عملی هیچ احتمالی کاملاً قطعی و واقعی محسوب نمی شوند. در نتیجه، تقاضای احزاب ناسیونالیست کرد از ناتو، از سر بیان موضع و جنبه تحلیلی وقوع یا عدم وقوع جنگ در ایران، نشئت نمیگیرد. جواب این سؤال، در اصل یک تصمیم سیاسی فکر شده و پذیرفته شده از طرف احزاب ناسیونالیست کرد است که ظرفیت و قابلیت همسو بودن خود با ناتو را تماماً بصورت دقیق و ویژه

ناسیونالیست و قوم پرست کرد در کردستان ایران، از سر استیصال و درماندگی خود به آن دل بسته اند و به عناوین مختلف برای دستیابی به آن در حرکت و تکاپو هستند.

اسماعیل ویسی: به چگونگی عوارض بسیار زیانبار این سناریوی سیاه پرداختید، برای مقابله با آن، پیام شما به جنبشهای "آزادیخواهان و برابری طلبانه کارگران، زنان و جوانان" و کلا توده مردم در کردستان چه میباشد و چکار باید بکنند؟

عبدالله دارابی: در این رابطه باید به کارگران و همه مردم آزادیخواه و برابری طلب در کردستان هشدار داد که، دشمنان رنگارنگ طبقاتی آنها بویژه احزاب بورژوا ناسیونالیست و قوم پرست کرد در لباس "دوست و قومیت و همسرنوشت"، به کمین نشسته اند تا به بهانه "کمک به مردم کرد"، دست ناتو و آمریکا را برای دخالت نظامی و ایجاد سناریوی سیاه در ایران باز کنند. آنها بعد از سقوط رژیم قذافی در لیبی، به طمع دستیابی به قدرت سیاسی و سیطره یافتن بر بخشی از ثروت جامعه، از ناتو درخواست کرده اند که، سناریو شبه لیبی را در ایران تکرار کنند. بمنظور تحقق بخشیدن به این هدف، شتابان در تلاش اند تا نیروی پراکنده و متفرق خود را زیر یک چتر واحد جمع کنند و بدینوسیله در قالب یک جنبش متحد و یکپارچه در محضر اربابان امپریالیست خود،

خودنمایی کنند. احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد بعد از سقوط رژیم لیبی، قصد دارند بعنوان نمایندگان خود گمارده مردم کردستان ایران ظاهر شوند و درس و وظیفه آدمکشی و ویرانگری را از اپوزیسیون مرتجع قومی و مذهبی در لیبی به عاریت بگیرند و آنرا در خدمت اهداف کثیف و ضد انسانی خود در ایران بکار ببندند. باید بمردم کردستان نشان داد که ناسیونالیستها و قوم پرستان کرد، بخاطر متحقق ساختن رویا های خود، در صدد آن هستند جامعه ایران را به میدان تاخت و تاز خود و اربابان امپریالیستی اشان تبدیل نمایند تا از قبل آن بر بخشی از ثروت و سامان جامعه لم بدهند.

باید قاطعانه در مقابل این سیاست های ضد انسانی و سراپا ریا کارانه احزاب ناسیونالیست کرد ایستاد و هر نوع تهدید و تمهید جنایتکارانه و جنگ افروزانه ناتو و آمریکا را هم خنثی و برملا ساخت. احزاب ناسیونالیست کرد، مذبحخانه تلاش میکنند تا از هر نوع فعالیت مستقل کارگران و مردم آزادیخواه علیه تهدیدات نظامی ناتو و آمریکا جلوگیری کنند. در تقابل با این کار، کارگران و مردم آزادیخواه ایران و کردستان هم بایستی با تبلیغات آگاه گرانه و متحدانه خود مانع سر راه هر نوع تهدید و اعمال و دخالت نظامی آمریکا و ناتو در ایران باشند و با اتکا به نیروی سازمانیافته خود از تکرار سناریوی سیاه شبیه لیبی در ایران مانع نمایند.

تماس با ما:

سردبیر نشریه: رحمت فاتحی
rahmatfatehi@yahoo.co.uk

دبیر کمیته کردستان: عبدالله دارابی
darabiabe@yahoo.com

روابط عمومی: سالار کرداری
rawabet.omumi.k@gmail.com

آدرس سایت:
www.october-online.com

اکتبر هر دو هفته یکبار و روز دوشنبه ها منتشر می شود.
با اکتبر همکاری کنید!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

شرافت و وجدان طبقاتی است

مظفر محمدی

وجدان طبقاتی است، اخلاقی نیست.

وقتی پای سیاست به میان می آید.

وقتی پای مخاطب قرار دادن مردم

بمیان می آید، وقتی پای منافع

طبقاتی است، شرافت و

دیگرمقولات ظاهرا اخلاقی و

فرهنگی و غیره طبقاتی می شوند.

در اینجا دیگر بورژوازی و

روشنفکرانشان از زاویه منفعت

بورژوازی شرافتمند و در رابطه

بامنفعت طبقه کارگر ناشرافتمند و

فاقد وجدان انسانی اند. خود

بورژوازی در این رابطه صراحت

کامل دارد و تا آنجایی که پای سود

و سرمایه در میان است، برای

شرافت و اخلاقیات و وجدان و غیره

تره خرد نمی کند. و ابایی هم ندارد.

اما این روشنفکران بورژوا و خرده

بورژوا هستند که ریباکاری،

دروغگویی و فریبکاری و تحمیق

مردم شرافتشان می شود.

با نگاهی گذرا به فرمایشات

ایرانیور اصلاح طلب کرد و سنی و

فدرالیست، این حقایق را می توان به

قول خودش "صریح" و بی پرده دید

و معلوم می شود که درد این آدم

بسیار فراتر از این مقولات است.

این ضد کمونیست قهار، در دفاع از

قوم پرستان، در دفاع از موسوی و

کروبی و منتظری رهبران جنبشش

و به پاس دمکراسی خانم مرکل که

به او حق پناهندگی و لقمه نانی

بخور و نمیر داده است، ما

کمونیست ها را دیکتاتور، پول

پوت، قاتل، ساواکی، ضد مردم

کردستان ... نامیده است. این

مترجم دستگاه قضایی در آلمان اگر

بویی از تمدن و حقوق برده بود باید

می فهمید که دردنیای متمدن هر

کدام از این اتهامات جرم است و

مجازات دارد. این اتهامات همانهایی

است که وزارت اطلاعات جمهوری

اسلامی علیه ما چه قبلا و چه اخیرا

مطرح کرده و به اتهام تروریست

بودن (زبان سیاسی کلمه ی "قاتل"

ایرانیور) از پلیس بین المللی تعقیب

ما را خواسته است. من از اینکه

ایرانیور هم متعلق به این کمپ علیه

ما کمونیست ها است خبر نداشتم.

ظاهرا این برای خیلی ها شغل

شریف و لباس برانزده ای است!

ایرانیور فراموش نکرده که نباید

کمونیست ها را به هیتلر و تاجر و

بوش و جنایتکاران دیگری از این

کمپ نسبت دهد. برای این ضد

کمونیست و ضد کارگر، مقایسه

هیتلر و بوش و ... با جنایتکاران

جناح سرمایه داری دولتی به نام

سوسیالیسم در کره و کامبوج و غیره، جایز نیست. اولی ها برای او خودی اند.

شخصا فکر می کنم که جواب به

یک ضد کمونیست "صریح" و

"مودب" و با "نزاکت" چون

ایرانیور اسان تر است از افشای قوم

پرستانی که وقتی قافیه تنگ می

شود لباس کردی می پوشند و کردی

حرف می زنند و مدافع حقوق مردم

"کرد" و "اهل سنت" می شوند. با

این اتهامات ضد انسانی و ضد

کمونیستی، ایرانیور تنها شایسته آن

است که تحویل آژان و کلانتری

محله اش بدهی. اما اگر حتی یک

مغز خر خورده ای پیدا شود که از

این چرندیات کثیف ایرانیور شاد

شود باید حقایق را انطور که هست

بار دیگر گفت. نه بخاطر اینکه شاید

ایرانیور مودب و شریف و با نزاکت

باشد. بخاطر اینکه روشن شود که

در بازار دمکراسی بورژوازی و قوم

پرستی و ملی گرایی و مذهبیگری

سنی و شیعی و سلفی و فدرالیسم این

آقایان چه ظرفیتهای پلیدی نهفته

است. چه الگوهایی از نوع

یوگسلاوی و ... کمین کرده است!

چه خیل جانوران دویایی نشسته اند

و منتظرند تا نظاره گر باشند که

چگونه کردها و فارس ها و بلوچ ها

و ترک ها و سنی ها و شیعه ها و

سلفی ها در نتیجه قوم پرستی و

سناریوی فدرالیسم این دشمنان

بشریت، شکم همدیگر را پاره می

کنند. با این دشمنی خونی امثال

ایرانیور با کمونیسم، تکلیف کارگر

کمونیست هم در این سناریو روشن

است.

مخالفت با تبعیض ملی و مذهبی،

اسم رمز همه ناسونالیست ها و

مذهبی ها برای دمیدن در احساسات

قومی و مذهبی است. تا دنیا دنیا

است با این تئوری و سیاست

ناسیونالیستی و مذهبی اقوام و قبایل

و مذاهب باید شکم همدیگر را پاره

کنند. جالب است که "اته نیست" ما

از فرط دمکراسی طلبی و عشق به

"برابری ملی و مذهبی" ظرفیت ان

را دارد که کمونیست ها را در

پیشگاه سلفی گری قربانی کند و با

شمشیر نوع طالبان سر ببرد چرا که

مخالف هرگونه دین و مذهب و

خرافات اند. آخر مگر نه اینکه

ایرانیور مخالف "تبعیض مذهبی"

است و نه اینکه سلفی هم مانند شیعه

و سنی و مسیحی و یهودی... دین و

مذهب است و احترام واجب!!

این "اته ایست" سنی مثل همه

اصلاح طلبان کرد، بیشتر از اینکه

نگران نان سفره و دستمزد کارگر و

فقر و بیکاری و فساد و فحشا

در جمهوری اسلامی و نابرابری و حجاب زن و دخالت مذهب در زندگی انسانهای جامعه ما باشد و بیشتر از اینکه علیه قاتلان و

جنایتکاران و کشتار جمعی در

لشکر کشی به کردستان و ... باشد،

نگران تبعیض مذهبی بین شیعه و

سنی است! او هم مانند جلالیزاده

دوستش، از اینکه اهالی تسنن را به

مدیریت کردستان راه نمی دهند دلش

خون است. شاید هم حق دارد چرا

که اگر از همان ابتدا چنین می شد

ایرانیور حالا در کاخ استانداری

کردستان که جلالیزاده استاندار می

بود و او کارمندی "کرد" و "سنی"،

می توانست در کریدور هایش آروق

"اته ایسم" و "برابری ملی" بزند و

دیگر آواره و شرمسار دمکراسی

مرکل هم نمی شد!

این ظرفیت ضد کمونیستی یک

اصلاح طلب کرد و سنی با ماسک

"اومانیسم" و "انٹیسم" نشان دیگر

از ضدیت روشنفکران نوکر صفت

جنحی از جمهوری اسلامی به

رهبری خاتمی و موسوی و کروبی

و مخلص منتظری، علیه کمونیسم و

کارگر و حزب حکمتیست است.

ایشان در نوکری و خدمت به طبقه

خود و مهمتر به جنحی از

جمهوری اسلامی، وظیفه و

ماموریت "صادقانه و شریف"

همسویی با وزارت اطلاعات،

وظیفه دشمنی خونی با کمونیسم و

طبقه کارگر را بر عهده گرفته است.

و این مطلقا خارج از تصور و

انتظار نیست.

ایشان، ساواکی و قاتل نامیدن

کمونیست ها را از پرونده وزارت

اطلاعات بیرون کشیده و به نمایندگی

این نهاد، مارا متهم چه عرض کنم،

محکوم کرده است. معلوم نیست این

مترجم و وکیل وزارت اطلاعات و

طرفدار "برابری ملی" و همپالگی

های اصلاح طلبش، آن زمان که

جمهوری اسلامی سندج را بمباران

و توپ باران می کرد و زمانی که

دسته دسته رفقای ما را اعدام و با

حملات وسیع نظامی از هوا و زمین

درو می کرد کجا تشریف داشتند.

اگر ایشان نمی گویند مردم می دانند

که، همین جلالیزاده ی همکار

ایرانیور در مهاباد سر در آخور

سپاه پاسداران داشت. مدت زمانی

بعد هم با دستبوسی آغا به مجلس

رفت. اینطور نیست؟

از نظر ایرانیور "شرافتمند"، این

موسوی نخست وزیر امام و کروبی

رییس مجلس اسلامی و منتظری

داوطلب ولیعهدی ولایت فقیه نیستند

که مردم را اعدام دستجمعی کرده

اند. اینها قاتل نیستند. کمونیست ها

مجرمند که چند دهه است با چنگ و

دندان از حقوق انسانی و آزادی و برابری در مقابل لشکرکشی های جمهوری اسلامی ایستاده اند و کشته و زخمی داده و نقص عضو شدند و در تبعید هم تحت تعقیب وزارت اطلاعات و امثال خود ایشان هم هستند.

چند دهه مبارزه سیاسی و نظامی کمونیست ها در کردستان برای دفاع از مردم و علیه ستم طبقاتی و ملی و علیه زورگویی و سرکوب، برای ایرانپور کم است، هیچ، بلکه اصلا جرم است. چرا که راه حل ایشان مسالمت و همزیستی و همکاری با جمهوری اسلامی و یا جناحی از آن است. راه حل ایشان گفتگو و مذاکره است، حفظ جمهوری اسلامی به ریاست موسوی و خاتمی است و نهایتا اگر نشد راه حل ایشان دعوت از امریکا و ناتو است. و این سیاستی شرم آور و ضد انسانی است. سناریوی لیبی نهایتا کعبه آمال این قوم پرستان است که آب از لب و لوجه شان آویزان کرده است. سناریویی که جلالیزاده ها و عبدالله مهدی ها و امثال آنها کاندیدای شرکت در شورای قوم پرستان کردش هستند و شاید در این میان امثال ایرانپور هم به نوایی برسند و این آقا دکانداری "برابری ملی" اش را تعطیل کند.

ایرانپور می نالد که ما شهامت و جسارت رهبران و همفکرانش از منتظری تا موسوی و کروی و جلالیزاده اصلاح طلبش را در انتقاد از جناح رقیب خود در حاکمیت، نادیده گرفته ایم و رنج و مرارت حصر خانگی و عدم تأیید صلاحیت برای مجلس شان را در نظر نمی گیریم. ایشان می خواهند جنگ جناحی و دعوای خانواده بورژوازی ایران و جمهوری اسلامی را به ما و به مردم بفروشند. اما مگر همین مردم نمی دانند که اصلاح طلبان در حصر و بیرون حصر خود را ناجیان نظام جمهوری اسلامی می دانند. مگر این جناح، خود از جنایتکاران و روسا و کارمندان مجلس اسلامی برای اجرای قانون اساسی و قانون کار و قانون شریعت علیه زنان و فشار اخلاقی مذهب بر جوانان و جامعه نیستند! مگر نمی گویند، راه حل نجات رژیم دست آنها است نه در دست انحصارگرایان جناح خامنه ای و ...

من از جلالیزاده و اصلاح طلبان کرد و سنی همکارش پرسیده بودم که شرافتا و وجدانا بگویند، شما که جزئی و جناحی از نظام جمهوری اسلامی هستید، آیا صلاحیت دفاع از

حقوق مردم کردستان را دارید؟ یا در دعوی جناحی دنبال سهم بیشتر در قدرت و ثروت هستید! اینکه این منتقدان جناح "انحصارگر" حصر خانگی می شوند و زندان می روند و با فرار می کنند، که نشد کسب حرمت برای آنها! آنها بدوا خود همکار نظام و جناحی از جمهوری اسلامی اند. دعوا و منفعت جناح های جمهوری اسلامی کجا و منفعت کارگر و توده های زحمتکش و حقوق مردم کردستان و رفع ستم ملی کجا! شما را اگر به مجلس راه ندادند یا موسوی، رییس جمهور منتخب تان نشد و منتظری تنورسین نظام تان را به قول خودتان دق کش کردند، الان ما باید به پاس انتقاد و گلگی هایتان از جناح دیگر رژیم تان، به شما مدال بدهیم!؟ مدال دفاع از "هویت کردی و اهلیت سنی"! آیا هویت کردی و سنی گری، حتی با همان لباس "اومانیستی" ایرانپور تحت نام "برابری ملی"، شما را با جمهوری اسلامی و حضور در جناحی از آن متمایز می کند!؟

حکم مردم به این سادگی است که همه همکاران تا کنونی جمهوری اسلامی مشمول همه جنایات این رژیم اند ولو امروز طرفدار هویت قومی شوند و یا پسوند "اومانیست" و "آته نیست" به خود بچسباند. این کار کمکی به این حضرات نمی کند. خیالتان راحت باشد که تهرانه نیستید. همه تان مشمولید. و همه درمقابل طبقه کارگر و توده های میلیون انسان های جامعه ما از زن و مرد و جوان و کودک و پیر صرفنظر از ملیت و زبان و مذهب و غیره، مسوول و جوابگو هستید.

فرمایشات ایرانپور با این جملات پایان می یابد:

"آری، آقای محمد مظفری، با توجه به اینکه شما به هر حال در فضای آزاد هستید و ادعاهایی دارید، این در درجه ی نخست وظیفه ی شما بود به این همبسی عدالتی بتازید. حال که این کار را نمی کنید، به کسانی که تحت شرایط سخت امنیتی چنین کاری می کنند نیز می تازید؟ این هم از آن "شرافتی" کدام از آن زده اید!"

واقعا وقاحت هم حدی دارد. روشنفکر وامانده و مستاصل اصلاح طلب و کرد سنی البته از نوع "برابری ملی" و "اومانیست" اش، ما را نصیحت می کند که چرا به این همه بی عدالتی نمی تازید (فراموش نکنید منظور ایشان بی عدالتی قومی و مذهبی آنهم نوع سنی آن است نه هیچ چیز دیگر). اما

اگر کسی از ایرانپور و همکاران اصلاح طلبش چون جلالیزاده بپرسد، که در همه این سالهای جنگ و مبارزه و سازماندهی مردم شهرها و روستاها و وجب به وجب جنگیدن کمونیست ها علیه لشکرکشی و حمله وحشیانه نظامی جمهوری اسلامی و اعدام های صحرایی خلخالی و همه ان رنج هایی که کشیدند، شماها کجا تشریف داشتید؟ جوابشان چیست!

جواب جلالیزاده روشن است: زمانی به عنوان سهمیه سپاه در دانشگاه، زمانی دستبوس آغا و در مجلس اسلامی، اکنون هم در کمپ جناح اصلاح طلب و منتقد جناح انحصارگرا در جمهوری اسلامی. درست است آقای ایرانپور؟ شما از آنوقت تا حالا کجا تشریف داشتید؟ همه عمرتان را صرف این شغل شریف ضدکمونیستی کرده اید. مگر نه؟ اما ضدیت شما با کمونیسم هر اندازه و وقیح باشد، در مقابل واقعیتی که جلو چشمان حداقل دو نسل اخیر در کردستان که زنده و حی حاضرند، اتفاق افتاد، بیش از حد حقیر و پوچ و مسخره است.

کسی هست شما و جلالیزاده و دیگر اصلاح طلبان کرد و سنی را باور کند که پس از این همه سال، حالا مدافع منافع مردم کردستان و علیه تبعیض شدید! شما که خود اعتراف و افتخار می کنید که جزئی و وابسته به جناحی از جمهوری اسلامی هستید. شما که موسوی و کروی و منتظری را "انقلابیون" اصلاح طلب و جلالی زاده را "شورش" علیه تبعیض می نامید و خانم مرکل و آقایان بلر و اوباما و سارکوزی، الگو و سمبل آزادی و دمکراسی و اومانیسم تان است، هیچ آدم عاقلی را پیدا می کنید باورتان کند که علیه تبعیض و ستم ملی در کردستان "شورش" کرده اید؟

بیش از سه دهه است دو نسل از ما داریم می جنگیم و شما از بطن همان رژیم می که ما داریم علیه می جنگیم سر بر آورده و مدعی "اومانیسم" و "برابری ملی" شده اید! خودتان هم باورتان می شود!؟ من ایرانپور و همکاران اصلاح طلب کرد و سنی اش را نه به وجدان و شرافت طبقاتی شان بلکه به تاریخ و شاهدانی که هنوز زنده اند، حواله می دهم تا به آنها بگویند که مبارزه حق طلبانه مردم کردستان چه معنی داشته و دارد.

تاریخ و شاهدان زنده اش به همه دشمنان کمونیسم و طبقه کارگر یاد آور می شود که حکمت و کمونیستهای همراهش در دفاع از آزادی و حرمت مردم

کردستان عراق اعلام کردند که پرچم استقلال راه نجات مردم کردستان از ستم و کینه ملی و برای ایجاد یک حاکمیت غیرقومی و غیرمذهبی است. این در حالی بود که اهزاب و رهبران ناسیونالیست کرد، بر سر ثروت و قدرت شکم همدیگر را پاره می کردند و نهایتا به جبهه حاکمیت قومی و مذهبی در بغداد پیوستند و منافشان را در انجا جستجو کردند.

حکمت و کمونیستهای کردستان جنگینند و سنتهایی را بنیاد نهادند که انساندوستی و آزادیخواهی و برابری طلبی اش با تفکر و مغز معیوب و ارتجاعی ناسیونالیسم و قوم پرستی ندیایی فاصله داشت و دارد. ما اگر زورمان می رسید و توسط دولتهای جمهوری اسلامی به ریاست موسوی و رفسنجانی و خاتمی و تا کنون، سرکوب نمی شدیم، تنها اجرای بیانیه حقوق زحمتکشان کردستان "ما فاه سه ره تاییه کتای خه لکی زه همه تکیشی کوردستان" که توسط حکمت تونین و به جامعه اعلام شده بود برای خوشختی و پیشروی مردم کردستان به سوی آزادی و برابری کلیت می کرد.

حکمت مبارزه مسلحانه را به سیاستهای انسانی متکی کرد که در آن پامال کردن حرمت مردم، هر گونه زورگویی و برخورد از بالا به مردم، ممنوع بود. سیاستهایی که آزادی بی قید شرط سیاسی، حقوق برابر زن و مرد، حقوق کودک و ... را به قانون جامعه و برای آگاهی و سلامت زندگی در آن تبدیل می کرد. سیاستهایی که برای ختمه دادن به جنگ تحمیلی حزب دمکرات علیه کومه له، آتش بس یکجانبه را اعلام نمود و ...

در خاتمه باید بگویم که ضدیت با کمونیسم و طبقه کارگر و دفاع از دمکراسی و بازار آزاد و فدرالیسم و قوم پرستی و مذهب، نه تنها احترام و اعتباری برای کسی نمی خرد، اکنون دیگر هیچ دمکراسی خواه و طرفدار بازار آزاد سرمایه داری نمی تواند سرش را بالا بگیرد و از سیستم و نظامش دفاع کند. بوی تعفن و رشکستگی و کثافت مذهبی و قومی و فاشیسم و استعمار و جنگ و غارتگری و ویرانگری این نظام، سرتاسر جهان را فرا گرفته است

کمونیسم، طبقه کارگر و حزب حکمتیست به ایرانپور و اصلاح طلبان کرد همکارش چه در حصر و بیرون، چه در ایران یا در خارج کشور، یادآور می شود که نقشه اصلاح و نجات جمهوری اسلامی و یا اجرای طرح شوم فدرالیسم و تبدیل ایران به یوگسلاوی و عراق و لیبی دیگر، آرزوی پوچ بیش نیست. ما می خواهیم و مصمم هستیم که در ایران و کردستان به همت طبقه کارگر آگاه و تحزب کمونیستی اش، چنان جامعه انسانی و برابر و آزادی را بنیاد بگذاریم که همه ارزوهای پلید قوم پرستی و مذهبی و نژادی در آن دود شده و هوا برونند. ندیایی که نسل امروز و فردای طبقه کارگر و کمونیستهای طبقه ما خواهند ساخت، ندیایی آزاد و برابر برای همه خواهد بود. همان دنیا و افق انسانی ای که ایرانپور قوم پرست و فدرالیست، به گوشه ای از آن، که رفع ستم ملی است، اعتراف کرده و ما را سرزنش می کند که لنینیست نیستیم و خود کم مانده به خاطر آن "لنینیست" بشود!

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری و عمومی در کردستان شماره ۱۶

شهر می باشد و باید برای حنثی کردن و بشکست کشانیدن چنین سیاست و اعمال فشاری با تمامی توان ایستاد!

- به گزارش خبرگزاری موکریان، یک فعال محیط زیست به نام "وریا خسروی" توسط نیروهای امنیتی در شهر سنندج بازداشت و روانه زندان گردید. گفته می شود در پی بازداشت این عضو تشکل طرفدار محیط زیست موسوم به "جمعیت سبز کردستان" ماموران منزل وی را مورد بازرسی قرار داده و کیس کامپیوتر و بخشی از وسایل شخصی او را به همراه خود برده اند. تا لحظه تنظیم این خبر هیچ علت یا علی برای بازداشت نامبرده از طرف مراجع قضایی و امنیتی رژیم در شهر سنندج اعلام نشده است.

- به گزارش کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، دستگاه قضایی رژیم در سنندج یک زندانی سیاسی به نام "منصور زردویی" را به 2 سال زندان و پرداخت جریمه نقدی 75 ضربه شلاق محکوم نمود. منصور زردویی ۲۷ ساله ساکن روستای "الک" از توابع کامیاران پیشتر از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و چندین ماه را در بازداشتگاه اداره اطلاعات کامیاران به سر برد. وی مدتی قبل به بازداشتگاه اطلاعات شهر سنندج منتقل گردید. در این گزارش به اتهام وی اشاره نشده است. قبل از این نیز برادر نامبرده "شاهپور زردویی" در سال ۸۸ از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به 2 سال حبس محکوم شده بود. وی به تازگی با قید وثیقه از زندان آزاد شد.

- نا بر اخبار دریافتی از سنندج، "اسعد باقری" فعال دانشجویی که بی تازگی بازداشت شده، طی یک تماس تلفنی کوتاه با خانواده اش، آنان را از حضور خود در اداره اطلاعات سنندج مطلع ساخته است. طی این تماس تلفنی ماموران اداره اطلاعات به وی اجازه ندادند تا در خصوص وضعیت و پرونده اش توضیح بیشتری ارائه بدهد. این در حالی است که تاکنون از سوی اداره اطلاعات و سایر مراجع مربوطه به خانواده اسعد باقری راجع به علت دستگیری وی توضیحی ارائه نشده است. ماموران رژیم همچنین دیدار این خانواده با فرزند دربندشان نیز جلوگیری بعمل آوردند.

- صدور احکام زندان برای 10 نفر

بوکان، از آشکار شدن موضوع دزدی و باند بازی های شهردار این شهر و اعضای شورای شهر بوکان حکایت دارد. و بنا بر خبر مذکور "رشید میرحسامی شهرداری بوکان و شماری از اعضای شورای این شهر" پس از اخراج شماری از کارکنان شهرداری، بستگان و آشنایان خود را بجای استخدام کرده اند. این مقامات رژیم علاوه بر خرید زمین های کشاورزی، دزدی های کلانی از اموال و دارایی های شهرداری نموده اند. اکنون دو تن از این افراد با اسامی "علی قادری و مهدی رادمنش" بازداشت و قرار است در تهران محاکمه شوند.

فشار و دستگیری و زندان

- بنا به خبر پخش شده 12 آبانماه 1390 "اتحادیه آزاد کارگران ایران" دادگاه اجرای احکام قوه قضائیه در شهر سنندج پس از گذشت حدود چهار سال از لغو احکام صادره در مورد "صدیق کریمی و شیث امانی" بار دیگر این احکام را جهت اجرا به این دو نفر ابلاغ کرد. در ادامه آمده است ... شیث امانی و صدیق کریمی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در مراسم اول ماه مه سال 1386 در شهر سنندج به همراه یازده نفر دیگر از کارگران شرکت کننده دستگیر و پس از تحمل حدود 50 روز زندان آزاد شدند. سپس دادگاه انقلاب شهر سنندج برای این 13 نفر احکام زندان و شلاق صادر کرد که بشدت مورد اعتراض اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر نهادهای کارگری در ایران و سطح جهان قرار گرفت و بدنبال آن با اعتراضی که از سوی دستگیر شدگان و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران، هنگام سفر رئیس قوه قضائیه وقت به شهر سنندج صورت گرفت این احکام از سوی رئیس قوه قضائیه وقت لغو شدند.

اما اینک و پس از گذشت حدود چهار سال از انزمان دادگاه اجرای احکام قوه قضائیه در شهر سنندج، بار دیگر این احکام را جهت اجرا به شیث امانی و صدیق کریمی ابلاغ و روز یکشنبه هشتم آبانماه به قصد دستگیری صدیق کریمی به منزل پدری وی هجوم آوردند اما صدیق در منزل نبود. و ... انجام این اقدام غیرقانونی از سوی دادگاه اجرای احکام قوه قضائیه در شهر سنندج تلاشی برای اعمال فشار بیش از پیش بر کارگران معترض و رهبران کارگری در این

پاوه که از فروردین ماه 1390 به بعد دستمزد دریافت نکرده اند در

اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای موقوفشان روز یکشنبه اول آبانماه 1390 "اعتصاب نمودند. اعتراض و اعتصاب کارگران بخش ماشین آلات از طرف تمامی کارگران سایر بخشهای دیگر مورد پشتیبانی قرار گرفت. در این سد بیشتر از 700 نفر کارگر مشغول بکارند و اکنون تمامی آنها در حال اعتصاب بسر می برند.

- روانس اخراج کارگران با سابقه مجتمع گاوداری شهرک حسن آباد، بنا به خبر رسیده از شهر روانسر، در تداوم سیاست اخراج و بیکار سازی ها، کارفرمای این شرکت 4 نفر از کارگران شاغل با اسامی "مرتضی محمودی، عبدالله احمدزاده، مجید رحیمی و بابک شهبسورای" را که قرار دادی و دارای سوابق کاری 10 تا 15 سال بودند، از کار اخراج کرد. است.

- سنندج، "شرکت پرهون طرح" طبق خبری که انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه منتشر کرده است، "شرکت پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج" از اول آبانماه 1390 اقدام به اخراج تدریجی کارگران خود نموده است. بر اساس این گزارش تاکنون برکه تسویه حساب به 16 نفر داده شده که هر روز ۲ الی ۳ نفر باید تسویه حساب کنند.

- بوکان تضییق حقوق کارگران شهرداری، طبق خبر رسیده از شهر بوکان، حدود 120 نفر از کارکنان شهرداری بوکان که بصورت روزانه دستمزد "روز مزد" دریافت می کنند علاوه بر عدم برخورداری از بیمه، مدتی است که دستمزدهای خود را نیز دریافت نکرده اند. که بدان معترض بوده و همچنین برای برخورداری از "حق بیمه" بشیوه های ممکن تلاش می کنند و اکنون مشغول مذاکره با مسئولین و نهادهای مربوطه رژیم هستند، اما هنوز به خواست آنان پاسخی داده نشده است. و ...

- پاوه، اعتصاب کارگران سد پاوه، طبق خبر رسیده از شهر پاوه، کارگران "بخش ماشین آلات سد

اعتصاب و اعتراضات کارگران

- سنندج، اعتصاب کارگران شرکت نتن پارسیان، بنا بر گزارشهای رسیده، کارگران "شرکت پیمانکاری نتن پارسیان که 170 نفر هستند" در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه از دستمزدهای خود روز "10/آبانماه / 1390" دست به اعتصاب زدند. در دومین روز اعتصاب، و هنگام صرف ناهار در مقابل ناهار خوری مدیران تجمع کردند و مانع ورود مسئولان شرکت به ناهار خوری شده و خواهان پاسخگویی به خواست شان شدند. در تقابل این وضعیت "مدیریت شرکت اصلی (شرکت متنا) به کارگران اظهار داشت: پول نیست، وضعیت خراب است و ما نمیتوانیم دستمزد شما را تا چهار ماه آینده نیز پرداخت کنیم، اگر دوست دارید کار کنید و دوست ندارید کار نکنید و بروید شکایت کنید. و ... بدنبال این اظهارات از سوی مدیریت شرکت متنا کارگران اعلام کردند ما تا رسیدن به خواست خود به اعتصاب ادامه خواهیم داد و چنانچه به خواست مان رسیدگی نشود طی روزهای آینده بر شدت و دامنه اعتراضات خود خواهیم افزود.

- قصر شیرین، اعتصاب کارگران بازارچه پرویزخان، بنا به گزارشهای رسیده، صدها کارگر بازارچه پرویزخان قصر شیرین، صبح روز دوشنبه ۹ آبان 1390 بدلیل عدم واریز کامل ماهیانه بیمه کارگران و عدم افزایش سه ساله حقوق خود، اعتصاب نمودند. یکی از کارگران گفته است: مشکلات، مطالبات و اعتراض خود را بارها به اطلاع نهادهای مسؤل رسانیده ایم. اما با وجود تمام این تلاشها و مذاکرات انجام شده و گذشت ماهها انتظار هنوز هیچ نتیجه ای برای حل مشکل کارگران بازارچه حاصل نشده است. او افزود: ما مصرانه خواستار واریز شدن بیمه کامل ماهیانه و افزایش دستمزدهای خود پس از سه سال هستیم. و ...

- قصر شیرین، اعتصاب کارگران بازارچه پرویزخان، بنا به گزارشهای رسیده، صدها کارگر بازارچه پرویزخان قصر شیرین، صبح روز دوشنبه ۹ آبان 1390 بدلیل عدم واریز کامل ماهیانه بیمه کارگران و عدم افزایش سه ساله حقوق خود، اعتصاب نمودند. یکی از کارگران گفته است: مشکلات، مطالبات و اعتراض خود را بارها به اطلاع نهادهای مسؤل رسانیده ایم. اما با وجود تمام این تلاشها و مذاکرات انجام شده و گذشت ماهها انتظار هنوز هیچ نتیجه ای برای حل مشکل کارگران بازارچه حاصل نشده است. او افزود: ما مصرانه خواستار واریز شدن بیمه کامل ماهیانه و افزایش دستمزدهای خود پس از سه سال هستیم. و ...

- پاوه، اعتصاب کارگران سد پاوه، طبق خبر رسیده از شهر پاوه، کارگران "بخش ماشین آلات سد

از فعالين سياسى در سنندج ، بنا به خيبر رسیده ، دستگاه قضايی رژيم در سنندج ، اخيرا ، 10 نفر از فعالين سياسی این شهر با اسامی "مهرداد امين وزيری ، خالد خداکرميان ، بختيار صمدی ، صديق گويليان ، آرام زندی ، هوشيار سعیدی ، فواد زندی ، آرام گویلی ، اقبال محمدرضایی و فاروق گویلیان" بدلیل فعالیت سياسی جهت ايجاد فضای رعب و وحشت و خفقان باصطلاح محاکمه نمود و آنان را به یکسال زندان تعزیری و 5 سال حبس تعلیقی محکوم کرد .

- بنا به اطلاعیه " کمیته هماهنگی برای کمک به ايجاد تشکل های کارگری " کوروش بخشنده فعال کارگری و عضو این تشکل در تاریخ 5 شهریور 90 در منزل خود بازداشت شد و در روز 29 شهریور با قرار وثیقه 75 میلیونی از زندان آزاد شد ، طی دادگاهی که بدون حضور وی برگزار شد به یک سال حبس که در طول 5 سال تعلیق شده ، محکوم کردند .

بنابر این گزارش روز دوشنبه مورخ 2/8/90 از طریق پیام کوتاه به ضامن وی اطلاع داده شد که به دلیل عدم حضور نامبرده در جلسه دادگاهی ، حکم وی صادر شده که در پی مراجعه و اعتراض آقای بخشنده به قاضی مربوطه ، به وی اعلام شد که " احضاریه برای شما ارسال شده اما مامورین آدرس شما را پیدا نکرده اند " این در حالی است که وی را در تاریخ 5 شهریور در همان منزل بازداشت کرده بودند . همچنین طی احضاریه ای دیگر که در تاریخ 5 مهر به وی ابلاغ شده بود ، زمان دادگاهی وی را 20 مهر 90 اعلام کرده بودند که پس از مدتی و بدلائیل نامعلوم جلسه دادگاهی وی را به روز 20 آذر 90 تغییر دادند . همچنین طی احضاریه ای دیگر که در تاریخ 5 مهر به وی ابلاغ شده بود ، زمان دادگاهی وی را 20 مهر 90 اعلام کرده بودند که پس از مدتی و بدلائیل نامعلوم جلسه دادگاهی وی را به روز 20 آذر 90 تغییر دادند .

- بنابه خبری که کمیته هماهنگی برای کمک به ايجاد تشکلهای کارگری روز ۲ آبان منتشر کرده است ، بنا بر حکم صادره از شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر انقلاب اسلامی در ارومیه ، ۷ تن از اعضای این نهاد کارگری به اسامی: رحمان ابراهیم زاده ، عباس هاشم پور ، رحمان تنها ، فتاح سلیمانی ، حسین پیروتی ، عیسی

ابراهیم زاده و صمد احمدپور که در اسفند ۸۸ دستگیر شده بودند تبرئه گردیدند . افراد مذکور در تاریخ ۸ اسفند ۸۸ به مدت ۱۲ روز در بازداشت زندان سپاه پاسداران شهر ارومیه بودند که هر کدام با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند . لازم به یادآوری است که صمد احمدپور در تاریخ ۳۰ مهر ۸۹ در گذشت .

پورش نیروهای سرکوبگر و مقاومت مردم

- طبق خبر دریافتی از سنندج ، روز سه شنبه 10 آبانماه ماموران رفع سد معبر شهرداری به دستفروشان این شهر حمله کردند و به اذیت و آزار آنان مبادرت کردند . که با مقاومت آنان و مردم حاضر روبرو شدند و ناچاراً از محل گریختند .

- روز سه شنبه 10 آبانماه 1390 مردم " روستای حسن آباد در حومه سنندج " در اعتراض به اخاذی و رشوه گیری ماموران شهرداری واحد اجرائیات در مقابل شهرداری دست به تجمع اعتراضی زدند . در پی این تجمع ، کارگزاران رژیم نه تنها به درخواست مردم جواب ندادند بلکه با اعزام ماموران پاسگاه انتظامی حسن آباد به محل ، درصد برآمدند تا معترضان را متفرق کنند که با مقاومت مردم روبرو شدند . در ادامه این حرکت ماموران رژیم با مردم درگیر و چهار نفر را دستگیر کردند و با خود به پاسگاه بردند . ماموران رژیم بعد از نیم ساعت این چهار نفر را پس از آنکه مردم در برابر پاسگاه تجمع کردند به ناچار آزاد کردند .

- بر اساس خبر دریافتی ، ماموران رژیم با حمله گسترده به منازل مردم روستای "نگل" در مسیر سنندج- مریوان اقدام به غارت اموال ساکنین این روستا نمودند . درب و پنجره منازل مردم را شکستند و به غارت اموال کاسبکاران اهالی روستا را مورد ضرب و شتم قرار دادند . خيبر دریافتی حاکی است که ماموران رژیم صدها میلیون تومان اموال و کالا از جمله "چای ، پارچه ، سیگار ، تلویزیون ، لباس ، وسایل آرایشی و بهداشتی" متعلق به کاسبکاران و اهالی این روستا را ضبط و با خود برده اند . در این حمله وحشیانه نیروهای رژیم با تجهیزات کامل به همراه خودروهای آمبولانس ، آتش نشانی و اکیب هافیلمداری وارد این روستا شدند . هنوز در خصوص میزان دقیق

خسارات وارده و بازداشت احتمالی اهالی روستا خبری دریافت نشده است .

- برگزاری مجمع عمومی سالانه انجمن خبازان شهرهای مریوان و سرو آباد ، به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ايجاد تشکل های کارگری " انجمن صنفی کارگران خباز شهرهای مریوان و سروآباد با حضور بیش از 200 نفر از کارگران خباز و جمعی از فعالين کارگری در تاریخ 28 مهرماه 1390 دومین مجمع عمومی سالانه " خود را برگزار نمود . در جلسه مجمع عمومی ابتدا اعضای هیئت مدیره عملکرد سالانه انجمن را مورد بحث و بررسی قرار دادند و سپس خواست های انجمن از جمله دعوت از تمامی کارگران برای عضویت و حمایت از انجمن جهت اعتراض به دستمزدهای تحمیلی و تحقیرآمیز شورای عالی کار و درخواست تاسیس صندوق قرض الحسنه کارگران خباز به سمع و نظر حضار رسید که مورد استقبال کارگران خباز قرار گرفت . پیشنهاد ایجاد تعاونی مصرف برای کارگران و طرح چند درخواست دیگر از جمله موارد دیگری بود که در این جلسه مطرح شد . در پایان جلسه کارگران از انجمن صنفی خواستند به طور جدی پیگیر خواسته های صنفی آنان باشد و در جهت به ثمر رسیدن آنها همچنان به تلاش خود ادامه دهد .

تلخیص گزارشی از وضعیت کارگران چایگاههای سوخت " سی . ان . سی " در سنندج

کارگران شاغل در جایگاه های سوخت سنندج در گرمای طاقت فرسای تابستان- در سرمای شدید زمستان ، شبانه روز در فضای باز و در تمام مدت حالت سرپا کار می کنند . حداکثر " دستمزد دریافتی این کارگران 400 هزار تومان است و از حق نوبت کاری ، شب کاری ، شیفت و هم چنین حق اولاد و سختی کار " هم خبری نیست ! جایگاه سوخت " سی . ان . جی جنب ترمینال تهران- سنندج متعلق به علاءالدین جماعتی " است . در این جایگاه 8 کارگر و یک سرپرست مشغول به کار هستند . این کارگران با حقوق 330 هزار تومانی و بدون هیچ مزایایی کار می کنند . سرپرست حقوقی در حدود 700 تا 800 هزار تومان دریافت

می کند . کارگران در سه شیفت کار می کنند که هر شیفت برابر با 8 ساعت است و علاوه بر آن در روزهای تعطیل هم سر کار هستند . این کارگران برای اضافه کردن حقوق شان به کارفرما اعتراض کرده اند و با وجود قول کارفرما مبنی بر اضافه نمودن حقوق تا 380 هزار تومان ، هنوز اقدامی عملی در این زمینه صورت نگرفته و هنگامی که کارگران مجدداً به این امر اعتراض کردند با تهدید به اخراج مواجه شدند ! تعدادی از این کارگران دارای زن و بچه بوده و مستأجراند ، این در حالی است که طبق قوانین کار موجود نیز ، این کارگران حق دریافت اضافه کاری روز جمعه و سایر روزهای تعطیل و همچنین حق شیفت کاری و مزایای دیگر را دارند ، اما کافرمايان از اجرای همین موارد نپسند هم سر باز می زنند ! البته هیچ کارفرمایی سهل و آسان گردن به اجرا و پرداخت حق و حقوق کارگران نمی دهند ، کارگران خود باید در محل کار و زیست متحد و متشکل بشوند تا بتوانند در اتحاد و همبستگی ، حقوق و مزایای خود را از آنان بگیرند !

بر گرفته از سایت کمیتهی هماهنگی برای کمک به ايجاد تشکل های کارگری

- **تداوم کشتار کاسبکاران مرزی ،** روز دوم آبانماه 1390 سه کاسبکار مرزی در شهرستان بانه توسط ماموران انتظامی رژیم هدف گلوله قرار گرفتند در نتیجه این اقدام دو کاسبکار مرزی با نام های "توفیق سور" اهل روستای "زراویی" و "سلیم عزیزی" متاسفانه جان خود را از دست دادند و کاسبکار دیگری با نام "صلاح" به شدت زخمی گردید .

شگردهای جدید بهره کشی هرچه بیشتر از کارگران و رواج دریافت سفته سفید امضاء

اخراج به روش همکاری بدون قرارداد و یا دریافت سفته های سفید امضاء ، از جمله شگردهایی است که کارفرمایان استفاده می کنند تا بدون هزینه هر زمان که بخواهند نیرویی را جذب و هر وقت هم که بخواهند اخراج می کنند . یک کارگر اخراجی 36 ساله که اخیراً به دست یک کارفرمانامی سودجو اخراج و بیکار شده است گفتگوی خواندنی و در عین حال نگران کننده ای از رواج دیدگاه سودجویی در بازار کار با خبرنگار

به مناسبت انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و پیامی که آن وقت داشت!

ابوبکر شریف زاده

اکتبر سرخ می آید . اکتبر سرخ کارگران ، اکتبر سرخ سربازان ، اکتبر سرخ گرسنگان ، اکتبر سرخ می آید !

از این انبوه مهاجم و زمین پیر در زیر گامهای جوانش به خویش می لرزد . آنچه به دیده می آید گویی که جنگلی است از هزار هزار شاخه آشوبگر مشت بر افراشته . گویی که دریانیست از بستر بزرگ خویش به پا خواسته ، گویی که خود روح پر تلاطم زندگی است زیباترین غریب شادمانی خویش را در موج موی بیدارش انباشته . آه این سیلاب مردم است که در کوچه های مصمم پتروگراد مشت می کوبد بر دیوارهای حکومت سازش . این ، این دهان باز گرسنگی است که با بانگ رعد آسا در خیابانهای شعله ور مسکو پیروزی پرولتاریا را فریاد می زند . این شلیک توپ های

تاغیست که درهای بسته انبارهای من را باز می کند . این صف بی پایان پرچم سرخ است در اهتزاز . بر دوش مردان بسته به زنجیر بردگی که کارخانه به کارخانه می جوشد و در میادین پوشیده از برف زبانه می کشد . تا بسوزاند بندهای عصری پایان گرفته را . این ، این انبوه سربازان باز گشته از جبهه نبردی نا عادلانه است . زخم بر زخم در هم کوفته پای خونین که پاره پاره می کنند ورقه های اعتمادشان را به ژنرالها و پشت می کنند به سنگرهای که گورشان بود و گودالهای مرگبار فرییشان و می آیند ، می آیند ، می آیند تا گوش فرا دهند به فرمانی برای آخرین نبرد . فرمانی برای صلح .

کارگران ، سربازان ، دهقانان پیش بسوی اسمندی ، اسمندی بستر طوفان ، اسمندی ستاد جنگی پرولتاریا ، اسمندی آنجا که کفشهای گل آلود می کوبد مهر مردم را بر

چهره تالارهای فتح شده سرمایه . آنجا که همهها ، فریادهای و هلهله ها خفه می کند زوزه های سازش را . آنجا که نه دیر و نه زود منفجر می شود فرمان پیش بسوی قدرت !

آی کارگران ، کارگران به کجا سر ریز می کنید به ارتش شکست نا پذیر تان این چنین شتابان ؟ ما می رویم تا در هم کوبیم کاخهای قدرتش را . ما می رویم تا باز ستانیم تخت حاکمیتان را .

آی ، سربازان ، سربازان به کجا یورش می برید با صفوف پر سلابطان این چنین سرود خوانان ؟ ما می رویم تا پایان دهیم به سر نوشت شوم ما می رویم تا بنانهیم ارتش سرخ راهبان را .

آی دهقانان ، دهقانان به کجا راه می سپارید با کوله بارهای خالیتان این چنین در کف نهاده جان ؟ ما می رویم تا درو کنیم حاصل رنجهایمان را ما می رویم تا به پا کنیم کشت گاهای مشترکمان را .

آه اکتبر سرخ ، اکتبر سرخ شعله می کشد از زیر خاکستر روزهای گذشته و خاطرات دور شلیک می شود بر سینه زمان این پرچم به خاک افتاده آیا . آن بیرق خونین

دیروز نیست این طنین گم آیا آن سرود پر غریب فاتح دیروز نیست؟ این چهره شکست به رنج آیا آن قامت جوان به پا خواسته دیروز نیست ؟ بر تو چه رفته است ای لحظه های سرخ پیروزی که این گونه خائنین بر گرده های تو گام می فشارند که این گونه یله داده بر تخت دیکتاتوری پرولتاریا سر فرو برده در آغورخیانتها جام بر جام می ساینند .

آری اکتبر سرخ ای دفتر بازگوشده فتح ، ای طلایه دار روزهای نو ای دروازه خونین سوسیالیسم به چه هنگام ، به چه هنگام دیگر بار در سپیده دمان تقویم سرخ تو ورق خواهد خورد . و بار دیگر توپ های تو شلیک خواهد شد .

دنیا امروز صد بار بیشتر به اکتبر دیگر احتیاج دارد و این نیاز و ضرورت در همه جا موج می زند . و باید صف منظم و سازمان یافته ارتش سرخ کارگران پشت توپهای آماده شلیک اکتبر سرخ دیگر آماده این شلیک تاریخی باشند .

زنده باد انقلاب اکتبر

ای را تهیه کردم و با پشت نویسی عبارت "جهت حسن انجام کار" تحویل وی کردم که نپذیرفت و با عصبانیت عنوان کرد تو لیاقت کار کردن نداری!

* شرکت های پیمانکاری انجمنی دارند که می توانید مسائل خود را با آنها مطرح کنید. به آنجا مراجعه کردید؟

- بله. نتیجه این شد که بازگشت به کار دادند ولی حالا کارفرما عنوان می کند که به هیچ وجه حاضر به بازگشت من به کار نیست و حتی حق و حقوق را هم نمی پردازد. من فقط می خواستم قانون در مورد من رعایت شود نه اینکه بیکار شوم ولی با لو رفتن اسم من از سوی نماینده شعبه بیمه تامین اجتماعی، کارفرما اخراج کرد در حالی که طبق قانون اوست که باید مواخذه شود نه من که به دنبال اجرای قانون در مورد کارم بودم.

تهیه و تنظیم از اسماعیل ویسی

داشتید؟ - نه. کارفرمای ما تمایلی به اجرای قانون نداشت و فقط می خواست آنچه که به میل خود اوست انجام شود. ما در ماه مبارک رمضان برخی شب ها تا 2 بامداد هم کار می کردیم در صورتی که از روز اول چنین چیزی را به ما نگفته بود، روزهای تعطیل و جمعه ها هم در بیشتر اوقات مجبورمان می کرد سر کار برویم، او فکر می کرد چون ما به کار نیاز داریم باید هرچه که بگوید همان بشود و با این طرز فکر حق و حقوق ما را پایمال می کرد.

* بالاخره نگفتید چرا اخراج شدید؟ - ما درخواست کرده بودیم که حداقل با حقوق کمی که به ما به ما بپردازد بیمه باشیم ولی کارفرمای ما با پرخاش گفت شماها "پر رو" شدید. من شما را بیمه نمی کنم هر کاری دلتان خواست انجام دهید!

* بعد چه شد؟ - من رفتم بیمه و گفتم که کارفرمای ما حاضر نیست ما را بیمه کند که بعد مامور بیمه آمد و لیست کارگران را گرفت. اما متأسفانه به کارفرما گفت که من درخواست داده بودم و همین باعث اخراج شد.

مهر انجام داده است که در زیر می خوانید.

* خبرگزاری مهر: چه شغلی داشتید و چرا اخراج شدید؟ - من به همراه چند نفر دیگر نظافتچی یک شرکت پیمانکاری به نام ... در مجموعه ورزشی ... بودم که متأسفانه به دلیل درخواست حق و حقوقم اخراج شدم!

* مگر شما چه حق و حقوقی درخواست کرده بودید که باید اخراج می شدید؟ - من فقط از کارفرما خواستم که ما را بیمه کند ولی قبول نکرد و گفت: من پولی بابت حق بیمه شما نمی پردازم، اگر خودتان خواستید پول بدهید بیمه شوید.

* شما قبول کردید؟ - نه. * چرا؟ - حقوق ما از حداقل قانون کار (مصوبه شورای عالی کار) کمی بیشتر بود. یعنی با اضافه کاری فقط ماهیانه چیزی حدود 350 هزار تومان دریافتی داشتیم که البته آن هم با تاخیر و چند ماه یکبار دریافت می کردیم.

* حتما اضافه کاری شما کم بود که فقط به میزان حداقل دستمزد دریافتی

گرامی باد یاد کمونیست برجسته و محبوب جعفر شفیعی

سلام زیجی

بسیار صمیمی نزد همه ما کمونیست ها در حزب کمونیست و کومله سابق جایگاه خاصی پیدا کرده بود و قلبا دوستش داشتیم. رفیق جعفر در سال ۱۳۳۰ در شهر بوکان متولد شد. در سال ۱۳۵۱ به وسیله ساواک بازداشت، زندانی و شکنجه گردید. از سال ۱۳۵۸ به عضویت کمیته مرکزی کومله در آمد و از سال ۱۳۶۲ که حزب کمونیست ایران تاسیس گردید تا زمانی که در قید حیات بود عضو کمیته مرکزی این حزب بود. با کامل تاسف این کمونیست محبوب روز پنجشنبه هفتم آبانماه سال ۱۳۶۶ برابر با بیست و نهم اکتبر ۱۹۸۷ در جریان تصادف ماشینی جان باخت. بار دیگر یاد رفیق جعفر شفیعی را، در بیست و سومین سالگرد جانباختنش، گرامی خواهیم داشت. با تداوم راه و اهداف والا کمونیستی او یاد عزیزش همیشه نزد ما زنده و گرامی خواهد بود.

دهم آبان ماه ۸۹
باز تکثیر

و مبلغین کمونیستی بود که با زبان ساده و شیوای خود درد و رنج و ستم اعمال شده بر طبقه کارگر، زنان و تهیدستان جامعه را بیان میکرد و مورد توجه همه قرار میگرفت. ناسیونالیسم و مذهب و "خلق گرایی" و روایت های غیر مارکسیستی از مبارزه طبقاتی و کارگری را نه تنها نمی پذیرفت که خود این پدیده ها و خرافات و مفاهیم را به عنوان عارضه و پلاتفرم سیاسی و آرمانهای بورژوازی به منظور تحقیق و سرکوب و به بیراه بردن طبقه کارگر میدانست و نقد میکرد و با روشن بینی و جسارت کم نظیر در نوشته ها، سخنرانی ها و برنامه های رادیویی اش بر علیه آنها صحبت میکرد و توده کارگر و زحمتکش را به اتحاد و خود آگاهی طبقاتی فرا میخواند.

جعفر شفیعی نمونه برجسته یک کمونیست انقلابی و پیگیر و پراتیسین

و وحشی تر و ضد تمدن و ضد آزادی ترند. فعالیت مرتجعین سلفی و القاعده و دیگر جریانات اسلامی بخشی از عروج آن وپروس اند که با قاطعیت باید پیشان زد و دستشان را از سر جامعه و زنان کوتاه کرد.

دکتر جعفر به عنوان یکی از رهبران کمونیست صادق، اجتماعی، بدون تکبر و

جعفر شفیعی (دکتر جعفر) از زمره رهبران کمونیستی بود که نقش برجسته و پر شور او در تاریخ جنبش کمونیستی ایران و کردستان ثبت شده است. دکتر جعفر مارکسیست و مدافع سر سخت طبقه کارگر و توده های زحمتکش و منتقد جدی خرافات و عقب افتادگیها و مبارز پیگیر علیه حکومت های بورژوازی و ضد کارگری پهلوی و جمهوری اسلامی، علیه حزب نمکرات و بورژوازی کرد و ناسیونالیسم و قوم پرستی بود. جعفر شفیعی از رهبران کومله و حزب کمونیست آن زمان بود که تمام زندگی خود را صرف مبارزه طبقاتی و کمونیستی و رهائی انسان کرد و در این مسیر اعتبار و محبوبیت وسیع اجتماعی کسب کرده بود. رفیق جعفر از برجسته ترین مروچین

پیام فرماندهی گارد آزادی در کردستان به واحد "نسیم" گارد آزادی و مردم کردستان به مناسبت حضور واحد "نسیم" گارد آزادی در سنندج

و وحشی تر و ضد تمدن و ضد آزادی ترند. فعالیت مرتجعین سلفی و القاعده و دیگر جریانات اسلامی بخشی از عروج آن وپروس اند که با قاطعیت باید پیشان زد و دستشان را از سر جامعه و زنان کوتاه کرد. همچنین بدنبال رویدادهای لیبی و سوریه و تهدیدات جنگی اخیر اسرائیل و آمریکا و غرب علیه ایران، درصفت اپوزسیون از جمله اپوزسیون بورژوا-ناسیونالیست کرد، امید به سیاست و پرچم دخالت نظامی غرب و ناتو بسته شده است و میخواهند بمثابه بخشی از ارتش و نیروی سرکوبگر و آتمکش آمریکا و ناتو نقش ایفا کنند و این نقش ضد انقلابی را راهی برای به قدرت رسیدنشان ارزیابی میکنند. نیروی که به این سیاست ضد انسانی امید بسته و اگر هم فردا "پیروز" شود به عنوان "قهرمانان" مسلح بر اریکه قدرت می نشینند و اولین کارش سرکوب و از دور خارج کردن همان مردمی است که تا کنون بدست جمهوری اسلامی سرکوب و از همه حقوق و آزادیها و حرمت انسانی محروم گردیده اند. این روند پر مخاطره، سناریو سیاهی، خونین، جنایتکارانه و ضد تلاش و مبارزه تا کنونی خود مردم آزادیخواه کردستان است علیه استبداد و جنایت هولناک تاکتونی جمهوری اسلامی ایران. در تقابل با مبارزه و دخالت مستقیم جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. از هم اکنون باید جلو این روند و سناریو ایستاد.

زنده باد گارد آزادی!
زنده باد جوانان و آزادیخواهان کردستان!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

فرماندهی گارد آزادی در کردستان
سلام زیجی
S_ziji@yahoo.se
۱۵ آبان ۹۰

انقلابی و یکی از کانونهای پرشور جنبش کمونیستی و کارگری علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران و علیه کلیه جریانات خرافی و ارتجاعی اسلامی و قومی شناخته شده است. استقبال و حمایت شما از واحد نسیم گارد آزادی تجسمی از این خصوصیات و واقعیت های مبارزاتی و اجتماعی آزادیخواهان شهر سنندج بود. از استقبال و حمایت بیدریغتان از حضور نیروی انقلابی و آزادیخواه خوندان، گارد آزادی، عمیقاً تشکر میکنم و شما را به حمایت و گسترش بیشتر واحدهای گارد آزادی در سنندج فرا میخوانم.

جوانان، آزادیخواهان کردستان!
حضور موفقیت آمیز و مجدد گارد در سنندج و حمایت و استقبال جوانان و آزادیخواهان آن شهر یک بار دیگر زمینه و ظرفیت و نیاز جامعه را به سازمان گارد آزادی نشان داد. این در شرایطی به وقوع پیوسته که جنبش ما و آزادی و مدنیت جامعه از هر سو مورد تعرض وحشیانه قرار دارد و هم اکنون با مخاطرات جدیتری روبرو شده است. علاوه بر جمهوری اسلامی که در اشکال متعدد در صدد سرکوب و فریب و تحمیق و رواج دادن خرافه گری بوده و هست، جریانات ضد مردمی دیگری نیز در سایه شوم این حکومت جنایتکار عروج کرده اند که به مراتب از خود جمهوری اسلامی

رفقای واحد "نسیم" گارد آزادی!
حضور موثر و جسورانه شما در داخل شهر سنندج در شب ۱۲ آبان ماه و تماس و حضور مستقیمتان با مردم و همچنین هشدار دادن تان به اوپاش اسلامی و دشمنان آزادی و زن تجسمی بود از اعتراض و مبارزه بی امان که در عمق جامعه برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی و کلیه دارونده های ارتجاعی از سر مردم در جریان است. شما در این حرکت بزرگ در آن مناطق حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی را به تمسخر گرفتید. به مبارزان و آزادیخواهان قوت قلب دادید. این عزم و اراده شما، برخاسته از عزم واراده طبقه کارگر و زنان منتظر از حاکمیت اسلامی و جوانان و جنبش اعتراضی و حق طلبانه ای است که روزمره علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران در جریان است. این اساس قدرت و تفاوت های سنت گارد آزادی با سنت های رایج و رمز پیوند عمیق فعالیتها و ابراز وجود گارد آزادی با منافع و مصالح کارگران و آزادیخواهان است. به همه دست اندرکاران این حرکت بزرگ و پرشور و همه اعضا واحد "نسیم" گارد آزادی در سنندج بخاطر این اقدام مهم و شجاعانه صمیمانه تبریک میگویم و درود میفرستم!

مردم آزادیخواه سنندج!
شهر سنندج، شهر مقاومت و مبارزه